

سید حسن نصرالله **داعش تسلیم شروط حزب الله شد**

سرویس خارجی: سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان با انتشاره به نبرد اخیر علیه داعش در مناطق مرزی لبنان و سوریه گفت: نه ما و نه ارتش لبنان به دنبال آتش پس با داعش نبودیم و خود این گروه پیشنهاد مذاکره داد و سرانجام تسلیم شروط ما و از منطقه خارج شد.

نصرالله در سخنرانی به مناسبت آزادسازی مناطق مرزی لبنان و سوریه از حضور گروه های تروریستی تکفیری که به طور زنده از شبکه تلویزیونی المنار پخش شد شهادت سربازان ارتش لبنان را که اسیر داعش بودند و پیگیرهایشان بازگردانده شد تسلیت گفت. دبیرکل حزب الله درباره فرایند مذاکره با داعش پس از هشت روز نبرد علیه این گروه در مناطق مرزی لبنان و سوریه نیز گفت: وقتی داعش مساله مذاکره را مطرح کرد ما هم شروط خود را مطرح کردیم. نصرالله ادامه داد: حزب الله تا وقتی که سرنوشت نظامیان ربوده شده لبنانی روشن نشد حاضر به قبول راه حلی نشد. چند ساعت به داعش فرصت دادیم و سرانجام زیر بار شروط ما رفت. همچنین درخواست داعش برای آزادی برخی زندانیان داعشی از زندان رومیه لبنان رد شدوی تاکید کرد که معنی سیاسی و نظامی اتفاقی که در ارتفاعات روی داد، تسلیم داعش بود. دبیرکل حزب الله با اشاره به مرحله پایانی توافق با داعش گفت: بر اساس این مرحله قرار شد بقایای پیکرهای سه تن از شهدا را در مبادله با داعش در ساعات آینده تحویل بگیریم؛ دو تن از آنها لبنانی و یک نفر همان ایرانی (شهید حججی) است که توسط داعش دستگیر و شکنجه و سر از بدنش جدا شد.

وی گفت: امروز روز آزادسازی دوم لبنان است.



انفجار مقابل سفارت آمریکا در کابل با ۵ کشته

سرویس خارجی: سخنگوی وزارت کشور افغانستان اعلام کرد: درحمله انتحاری طالبان به کابل بانک مقابل سفارت آمریکا در منطقه دیپلمات نشین وزیر اکبر خان شهر کابل پنج تن کشته و ۹ تن دیگر زخمی شدند. «جنب دتش» در این باره گفت: یک مهاجم انتحاری که به جلیقه انتحاری و سلاح کمربتی مجهز بود، به کابل بانک مقابل سفارت آمریکا حمله کرد. وی افزود: مهاجم در مقابل کابل بانک سه گلوله به نگهبان بانک شلیک کرد و پس از آن خود را منفجر کرد. این انفجار در حالی صورت گرفت که شماری از کارمندان دولت در مقابل کابل بانک تجمع کرده بودند. در همین حال، منابع محلی در غرب افغانستان اعلام کردند: درحمله پهلادی آمریکا به شهرستان شینبدن» در ولایت هرات ۳۵ غیرنظامی افغان کشته شدند.

تنش در شبه جزیره بالاگرفت کره جنوبی مرز کره شمالی را بمباران کرد

آن پرداختند.بوشهید سواک سخنگوی دولت ژاپن نیز اعلام کرد: این موشک با عبور از آسمان کشورش، در ۱۱۸۰ کیلومتری هوکایدو» فرود آمده است.همچنین، یکی از مقام‌های نظامی کره جنوبی نیز گفت: این موشک پس از طی کردن ۲۷۰۰ کیلومتر مسیر به ارتفاع ۵۵۰ کیلومتری از سطح زمین رسیده است.«سنول» همچنین اعلام کرد که روسای ستادهای مشترک ارتش آمریکا و کرهجنوبی بر اتخاذ تدابیر سختگیرانه از جمله واکنش نظامی علیه کرهشمالی توافق کردند. نمایندگان کره جنوبی، ژاپن و آمریکا در شورای امنیت نیز توافق کردند در مقابل با آزمایش موشکی کره شمالی، پاسخی سخت بدهند. از طرفی، نماینده کره شمالی در سازمان ملل نیز گفت: آمریکا شبه جزیره کره را به آستانه انفجار کشانده است و بیونگ یانگ حق دارد به اقدامات تحریم‌آمیز آمریکا در شبه جزیره کره پاسخ سرسختانه دهد. در چنین شرایطی، ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرد که تمامی گزینه‌ها برای رویارویی با کره شمالی روی میز قرار داده است. از سوی دیگر، رئیس استولنتیرک«دبیرکل ناتو، فدریکو ماکرینی رئیس شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، «مالکوم ترنبول»، نخست‌وزیر استرالیا وبوریس جانسون» وزیر خارجه انگلیس، آزمایش موشک بالستیک کره شمالی را محکوم کردند.

حماس: روابط مقاومت فلسطین با ایران عالی است

سرویس خارجی: «یحیی السنوار» رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس در غزه گفت: امروز روابط ما با تهران عالی است و ایران بزرگ ترین حامی مالی و تسلیحاتی گردان های شهید عزالدین قسام است.

السنوار افزود: جنبش حماسی روابط خود را با ایران ترمیم کرده و اکنون ایران بزرگ ترین حامی جنبش مقاومت اسلامی است .رهبر جدید حماس با اشاره به این که اکنون روابط ما با ایران به دوران گذشته بازگشته است، گفت که نتایج این امر می تواند جریان مقاومت و طرح های آزادسازی در سرزمین های فلسطینی را تحت تاثیر قرار دهد.در این راستا عبدالباری عطوان» نویسنده سرشناس جهان عرب نیز گفت که شاهه نظامی حماس در مرحله پیش رو با کمک ایران مقاومت در کرانه باختری را شعله‌ور خواهد کرد.

اطلاعات

سال نود ودوم

اهتراز پرچم‌های سوریه و حزب‌الله لبنان در «قلمون» با شکست تروریست‌ها



افشای مذاکرات دولت ترامپ با عناصر

حزب منحلہ بعث

سرویس خارجی: برخی منابع عراقی از تلاش‌های مخفی دولت های آمریکا و عربستان برای بازگرداندن عناصر حزب بعث به قدرت در عراق خبر دادند. «کامل الدلیمی»، نماینده سابق پارلمان عراق اعلام کرد: دولت آمریکا مشغول مذاکره با برخی سران عناصر حزب منحلہ بعث است تا آنان را در قالبی جدید به جریان قدرت در عراق بازگرداند. به گفته وی، این کشورها در تلاش هستند تا اتلافی را برای انتخابات آتی پارلمان عراق تشکیل دهند. الدلیمی همچنین فاش کرد: یک هیات از حزب منحلہ بعث در حال مذاکره با مقامات مسئول آمریکایی و به طور مشخص، «جراد کوشتر» داماد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری این کشور است و مسئله امکان بازگشت به روند سیاسی عراق پس از تغییر نامش را بررسی می‌کند.

قطر برای مذاکره با ائتلاف عربی شرط گذاشت

سرویس خارجی:مدیردفتر ارتباط دولتی قطر اعلام کرد: برای برداشتن گام اول در حل بحران کنونی و آغاز گفتگوها با ائتلاف عربی، ابتدا باید تحریم ها و محاصره رفع شود. آل ثانی تاکید کرد:دولت قطر آماده گفتگو است، بولی به هیچ گروه تروریستی نداده و از تروریسم حمایت نکرده است.

راهبرد ضد پاکستانی آمریکا خشم اسلام آباد را برانگیخت

سروسرwis خارجی:اظهارات مقامات آمریکا علیه دولت اسلام آباد و اعلام راهبرد تازه واشنگتن در قبال پاکستان با واکنش‌های بسیاری در این کشور روبرو شده است. وزیر خارجه پاکستان با حضور در جلسه مجلس سنا اعلام کرد: همه پاکستان علیه رویکردهای آمریکا و اظهارات اخیر دونالد ترامپ یکصدا و یکپارچه هستند. «خواجه آصف» گفت: کمیته امنیت ملی پاکستان بار دیگر برای بررسی دقیق مسائل مربوط به روابط پاکستان و آمریکا و مواضع اخیر واشنگتن در قبال جنوب آسیا تشکیل جلسه خواهد داد.

چهار شنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶		
۸ ذی الحجه ۱۴۳۸ - ۳۰ آگوست ۲۰۱۷		
ظهور شرعی	۱۳ و ۵ دقیقه	
غروب آفتاب	۱۹ و ۳۵ دقیقه	
اذان مغرب	۱۹ و ۵۳ دقیقه	
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۲۱ دقیقه	
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۸ دقیقه	
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۶ دقیقه	

شده و به همراه ۲۵ زخمی راهی شهر البوکمال در حومه دیر الزور شدند.از طرفی ارتش سوریه و نیروهای مقاومت لبنان پرچم های سوریه، لبنان و حزب الله را در ارتفاعات مرزی سوریه - لبنان برافراشتند. در چنین شرایطی ارتش سوریه در ادامه پی‌شروی خود در بایذه به مرز استان دیرالزور رسیده و گفته شده آمریکا نیز از گروه‌های مسلح مورد حمایتش خواسته تا از شمال این استان عقب‌نشینی کنند. در این حال نیروهای روسی وارد منطقه "لئ رفعت" در حومه شمالی حلب شدند که طبق اطلاعات به دست آمده، هدف از استقرار آنها جلوگیری از دگربری بین کردها و نیروهای ترکیه‌ای است.

در چنین شرایطی وزیر خارجه مصر بر گفتگو با دولت اسد برای حل بحران سوریه تأکید کرد. از طرفی آنکارا مرکل صدر اعظم آلمان اذعان کرد قدرت بشار اسد بیشتر شده‌است که این برای غرب خوشایند نیست.

۵۷ نهاد حقوق بشری خواستار تحقیق درباره جنایات عربستان در یمن شدند

سرویس خارجی:۵۷ نهاد حقوق بشری با ارایه درخواستی به سازمان ملل خواستار تحقیق مستقل درباره جنایات عربستان در یمن شدند. سازمان دبدیان حقوق بشر به همراه ۵۶ سازمان غیردولتی و بین المللی در درخواست خود به نمایندگان کشورهای عضو و ناظر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خواهان تحقیقات بین المللی مستقل درباره جنایات صورت گرفته در یمن شدند.در همین رابطه،مدیردفترسازمان دیدبان حقوق بشر در ژنو از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل خواست تا به فشارهای سیاسی تن ندهند. «جان فیشر» افزود: این کشورها «بهم استان صعنا توسط جنگندههای سعودی خیر دادند.

سرویس خارجی: هوزان تن از شهروندان و فعالان اجتماعی و حقوق بشری آمریکا در اعتراض سیاست های نژادپرستانه ترامپ، راهپیمایی بزرگ ۱۰روزه ای را از شهر «شارلوتزویل» تا «واشنگتن» به مسافت ۱۹۰ کیلومتر آغاز کردند. منابع خبری گفتند: در این راهپیمایی اعتراضی، همچنین شماری از رهبران دینی، فعالان اجتماعی، حقوق بشر و حقوق مدنی مشارکت دارند و قرار است طی این مسیر ۱۹۰ کیلومتری، گروه‌ها و افراد دیگری نیز به آنها بپیوندند. همزمان با این راهپیمایی، صدها تن از رهبران مذهبی متعلق به ادیان مختلف نیز مقابل

کمی‌تادهائی منبرالمنبر چیچاق

برگزاری مراسم گرامیداشت «امام موسی صدر» در بیروت
تسنیم:مراسم گرامیداشت امام موسی صدر امروز چهارشنبه با حضور شخصیت‌های سیاسی، دینی و اقتسار مختلف مردم لبنان در ششهر بیروت برگزار می‌شود. جنبش امل لبنان همه امکانات و توان خود را برای برگزاری مراسم گرامیداشت امام موسی صدر بسیج کرده است.این مراسم با شعارآمره کار شما میهنی را بنیان نهاده» برگزار می شود.

افزایش اقبال کشورها برای خرید سامانه دفاع موشکی «اس ۴۰۰ روسیه
ایستا: منابع دولتی روسیه می‌گویند تاکنون ۱۰ سفارش جدید برای خرید سامانه دفاع موشکی اس ۴۰۰ به مسکو ارائه شده است. دیمیتری شو یگایف، مدیر سرویس فدرال همکاری نظامی روسیه گفت: اس ۲۰۰ یک سیستم دفاعی جدید و پیشرفته محسوب می‌شود و بهترین سیستم دفاع هوایی در جهان است.

«پوتین» موفق به کسب دان ۸ جودو شد
باشگاه خبرنگاران: ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه موفق به دریافت دان ۸ جودو از فدراسیون بین المللی جودو شد. پوتین که در رشته جودو دارای کمربند مشکی است در سن ۶۰سالگی از طرف فدراسیون جهانی موفق به دریافت دان ۸ شد. گفتنی است در دنیا شمار اندکی موفق به کسب دان ۸ جودو شده اند.

نفوذ جاسوس‌های ناشناس به دستگاه‌های اطلاعاتی هند و پاکستان
تسنیم: روتیزر مدعی شد که یک تیم جاسوسی قدرتمند با نفوذ به دستگاه‌های اطلاعاتی پاکستان و هند اطلاعات مهمی را استخراج و به کشوری ناشناس ارائه کرده اند. روتیزر فاش کرده که آنها با نفوذ در سیستم‌های ارتش و سازمان های اطلاعاتی پاکستان توانسته اند نرم‌افزارهای مختلف کنترل از راه دور را در آنها فعال و به این وسیله اطلاعاتی مخفی را استخراج کنند.

تولد سومین فرزند رهبر کره شمالی در آستانه جنگ اتمی با آمریکا
ایستا: کیم جونگ اون رهبر کرهشمالی در آستانه جنگ اتمی با آمریکا و متحدانش برای سومین بار صاحب فرزند شد. سرویس اطلاعات کره جنوبی با انتشار این خبر اعلام کرد که هیچ اطلاعاتی درخصوص هویت و نام کودک اعلام نشده است. هر چند اطلاعاتی درخصوص زندگی شخصی رهبر کره شمالی منتشر نمی‌شود.اما احتمالاً دو فرزند دیگروی در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ به دنیا آمده‌اند. کیم جونگ اون در سال ۲۰۰۹ ازدواج کرد.

اتحادیه اروپا: انگلیس با مشکلات امنیتی روبرو می شود

سرویس خارجی: مقام ارشد اتحادیه اروپا در حوزه مذاکرات «برگزیت» خطاب به نخست وزیر انگلیس گفت: لندن پس از خروج از اتحادیه اروپا با مشکلاتی در ساختار دفاعی و امنیتی روبرو خواهد شد. «لوموند» به نقل از «میشل پلرین» نوشت: برگزیت عواقب بسیار سختی، به ویژه در حوزه امنیت و دفاع برای انگلیس خواهد داشت. وی همچنین افزود: حوزه تحقیقات دفاعی انگلیس دیگر از بودجه های توسعه ای اتحادیه اروپا بهره‌مند نخواهد شد.

رهبر اپوزیسیون ترکیه: قدرت اردوغان محدود می شود

سرویس خارجی: رهبر اپوزیسیون ترکیه بر لزوم ایجاد قانون اساسی جدید در ترکیه برای محدود کردن قدرت اردوغان تأکید کرد. «کمال قلیچداراوغلو» رهبر حزب مردم جمهورخواه در سخنانی به انتقاد از «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه و حزب حاکم عدالت و توسعه پرداخت و گفت: اردوغان با اقدامات خود، هر تصمیم و کاری که خواهد انجام می دهد و کسی هم جرات اعتراض کردن ندارد.در چنین شرایطی، «انکارا مرکل»، صدراعظم آلمان ضمن استقبال از بهبود روابط با ترکیه، در عین حال چنین اقدامی را در حال حاضر غیر ممکن دانست.

راهپیمایی ۱۹۰ کیلومتری مخالفان ترامپ از «شارلوتزویل» تا «واشنگتن»

وزارت دادگستری آمریکا در شهر «واشنگتن» تجمع کردند تا ضمن گرامیداشت سالگرد سخنرانی تاریخی «مارتین لوترکینگ» در سال ۱۹۶۳، مخالفت خود را با مواضع نژادپرستانه دونالد ترامپ اعلام کنند. در چنین شرایطی، شبکه خبری «لومبرگ» گزارش داد:رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا قصد دارد به عنوان بخشی از اصلاحات در وزارت خارجه این کشور، برخی پست های مربوطه به نمایندگی های ویژه از جمله در خصوص تغییرات آب و هوایی و توافق هسته ای ایران را حذف کند.



باشگاه مشتریان بانک ایران زمین

شادی و هیجان را با باشگاه مشتریان بانک ایران زمین تجربه نمایید!

با حفظ و افزایش موجودی حساب و استفاده از خدمات بانکداری الکترونیک بانک ایران زمین ضمن افزایش امتیاز خود در باشگاه مشتریان، از فرصت حضور در قرعه کشی ها و دریافت هدایای نقدی بهره مند شوید.

بانک ایران زمین
IRAN ZAMIN BANK

www.club.izbank.ir

هفته بانکداری اسلامی گرامی باد

کار ما به ما باز می گردد

جشنواره قرعه کشی حساب های قرض الحسنه پس انداز هفت گنج پارسیان

۲۷ جایزه کمک هزینه خرید واحد مسکونی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

۵۷ جایزه کمک هزینه خرید خودرو داخلی ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

۸۷ جایزه کمک هزینه سفر به عتبات عالیات ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

۱۱۷ جایزه کمک هزینه خرید صنایع دستی ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی

پایان مهلت افتتاح حساب یا تکمیل موجودی: ۳۱ شهریور ماه ۱۳۹۶

حداقل موجودی جهت شرکت در قرعه کشی: ۵۰۰,۰۰۰ ریال

بانک پارسیان

صندوق قرض الحسنه بانک پارسیان

www.parsian-bank.ir

مرکز ارتباط با مشتریان ۰۲۱-۸۱۵۱۰۰۰

فرهنگ

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶ - ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات - سال نود و دوم - شماره ۲۶۸۰۶

۴-۵



آینه

یادداشت‌های سفر ترکیه به قلم
استاد خسروشاهی
اطلاعات جالب

۲



نگاه سفرنامه‌ها به
مشهد الرضا (ع)

۵



در کوچه باغ اندیشه
تشنگی، آب، ظلم

۵-۴



شرق بهشت
سرشار از زندگی

۳



زندگی فردی ناشناخته
شناسنامه

۶



سفر به تخت سلیمان
حلقه‌های گمشده

آموزه

خشم اسیدی است که
به ظرف خود بیشتر از
کسی که به آن پاشیده
می‌شود، ضرر می‌زند.



مهاتما گاندی

قلم‌انداز

ظرفیت‌های ناشناخته دیجیتال

آنچه ما در این شرایط می‌گوییم، به دلیل امتزاج‌های نسلی و به دلیل عدم حاکمیت مطلق فکری و عملی دیجیتال و نسل اختصاصی آن، به نظر حدس آمیزه یا پیشگویانه و حتی ممکن است غیر واقع‌بینانه بیاید.

با در نظر گرفتن اصل مدعا و احتمال‌هایی از این دست، آنچه در برابر ما گشوده است، سخن گفتن از انسان جدید و جهان جدید و هست‌ها و باید‌ها و اختصاصات و الزامات قابل کشف آن است و قراین متعددی نشان می‌دهد که این بحث‌ها روی به جانب واقعیت دارد، چرا که حالت‌هایی از آن، ظاهر شده و نمود یافته، حالت‌هایی دیگر از آن نیز با آینده مرتبط است و در گرو گذشت زمان، و البته رخصت و مجال و امکان بحث از هر دو حالت، محفوظ و معقول است و شاید ضرورت هم داشته باشد.

فرض و بلکه پیش‌فرض‌ها این است که نمی‌توان بحث نکرد و گفت‌وگو به عمل نیاورد. نیز بر پایه اصول، تصور و اصل موضوعه ما این است که نمی‌توان از هستی و آینده و آنچه که روش زندگی و اسلوب رفتاری انسان آینده را شکل می‌دهد، سخن نگفت و بحث به میان نکشید.

با این مقدمه و تمهید، می‌توان برخی از مسائل مرتبط با انسان را در قاب فضای مجازی مورد بحث و تحلیل قرار داد و درباره آن دست به تفسیر زد و رؤس و امهات و مبانی ثابت و متغیر را در ساحت نظر و عمل مورد ملاحظات گوناگون قرار داد. گذشته از بحث‌هایی که پیش از این در این عرصه ارائه کرده‌ایم (مانند پایان فاصله، مرگ فاصله، انسان اینترنتی، نسل اینترنتی، دیجیتال‌لیسم، دیجیتال‌تیه و...) در مقام طرح مسأله می‌توان بحث‌هایی از نوع آنچه ذکر می‌شود را هم، مورد مطالعه قرار داد:

ظرفیت‌های ناشناخته دیجیتال‌لیسم، تحول و تطور ذهن در ساحت امواج، جنگ و صلح امواج، دگردیسی‌های رفتاری، تغییر ذائقه‌ها، ابهام و ابهام شخصیت دیجیتال، پناه و بی‌پناهی حیات اینترنتی، چندوچون روابط غیرقابل تحلیل، مفهوم ارزش‌ها در فضای مجازی، تفسیر عشق و محبت در فضایی دیجیتال و سایبر، پدیده فتوشاپ‌لیسم، جایگاه سنت و الگوهای کهن و نوبی آن در فرآیند دیجیتال‌لیسم، نیازهای شناخته و ناشناخته انسان مجازی، ادب و ادبیات دیجیتال‌لیسم، میراث دیجیتال‌لیته، اسارت و آزادی فضای مجازی، اقسام شخصیت اینترنتی، تفاوت اشخاص در مدارهای دیجیتال، جایگاه زمان و مکان در دیجیتال‌لیسم و نیز مفهوم احساس و عشق و عاطفه در فضای مجازی.

با استناد به واقعیت‌های روشن و محسوس، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل قابل فحص و بحث در حوزه دیجیتال‌لیسم و فضای مجازی و سایبری «عشق مجازی» است. اینکه عشق در فضای ثبت شده به نام فضای مجازی، چگونه خواهد بود و چه شرایطی خواهد یافت، پرسشی است که با نظر و تأمل در نحوه وجودی نسلی که در راه است، بیش از هر چیز خود را نمایان می‌کند و در جستجوی پاسخ‌های خویش است.

در واقع، ما می‌توانیم پدیده عشق در فضای مجازی را مورد توجه و مطالعه قرار دهیم. طبیعی است که «عشق مجازی» عنوان روشن این بحث محسوب می‌شود، اما باید توجه داشته باشیم که وصف «عشق مجازی» پیش از این مفهومی دیگر داشت.

گفتگو با استاد محمد حسن ابریشمی مروری بر خاطرات



پرویز غفوری: مرور خاطرات و زندگی‌نامه استاد ابریشمی را از سال ۱۳۱۸ آغاز می‌کنیم. یعنی زمانی که در تربت حیدریه متولد شد. جالب است که نام خانوادگی این پژوهشگر، در باب مباحث تاریخ کشاورزی ایران هم به نوعی با امور فلاحی ارتباط دارد که در این‌باره چنین می‌گوید:

«نام خانوادگی من از این جهت ابریشمی است که نیای بزرگم (حاج ملا احمد شعرباغ یزدی؛ شعرباغ: بافنده پارچه ابریشمی ممتاز) در عهد ناصرالدین‌شاه از یزد به تربت حیدریه مهاجرت کرد و با فرزندانش (حاج ملا رجبعلی و حاج ملا غلامحسین) به اشاعه علم و پیشه نوغانداری مشغول شده‌اند؛ پدرم (حاج‌علی اکبر) متولد ۱۲۶۹ در تربت شیوه پدر (حاج‌غلامحسین) را دنبال کرد و به کسب علم و کار کشاورزی و تولید ابریشم پرداخت، و با تأسیس اداره سجل احوال در سال ۱۳۰۷ نام خانوادگی (ابریشمی) گرفت، و در اردیبهشت ۱۳۲۲ درگذشت، روایتش شاد باد». وی در ادامه به چند کتاب خطی و چاپ سنگی برجای مانده از پدر و اجداد خود که برخی به خط خود آنان است اشاره می‌کند و از چگونگی عشق و علاقه‌اش به خرید و خواندن کتاب می‌گوید: «در پنج سالگی به مکتب آتو (مرحومه بی‌بی طابوس علوی طباطبایی)، رفتم و با خواندن قرآن و صد کلمه آشنا شدم، از مکتب که می‌آمد کتاب‌های مرحوم پدرم را ورق می‌زد، هزار و یکشب را می‌خواندم.

مادرم (حاجیه بانو فاطمه دوستی، وفات ۱۳۸۰/۰۹/۱۹) شب‌ها برای من و دو برادرم (حاج محمدعلی ابریشمی، وفات ۱۳۶۵/۸/۱۴ و حسین ابریشمی) داستان‌های گلستان، کلیله و دمنه و فرائد الادب را می‌خواند و قصه‌های شیرین می‌گفت؛ به دبستان می‌رفتم، دوره ابتدایی را در دبستان‌های رضائیه، قطب و گل به پایان بردم؛ اما عشق به کتاب و مطالعه را در من یکی از معلمان دوران ابتدایی دو چندان کرد، موضوع آن از شیرین‌ترین خاطرات کودکی من است از این قرار که:

از درس انشا همواره نمره عالی می‌گرفتم روزی که انشای خود را در کلاس درس می‌خواندم، جمله‌ای طولانی شد، آموزگار گفت: این سطر را از نو بخوان. جمله‌ای که مجدد خواندم قدری با جمله قرائت شده تفاوت داشت، آموزگار بالای سرم آمد، دفتر انشایم را بستم، از دستم گرفت و نگاه کرد، دید ذیل موضوع انشا نانوشته است، با حیرت پرسید: این انشا را از حفظ خواندی؟ چند تن از همکلاسان همه‌هم‌کنان گفتند: «ابریشمی هیچ‌وقت انشا نمی‌نویسد، همیشه از بر می‌خواند». به گریه افتادم.

ادامه در صفحه ۷



آیین

فرزانه ابراهیم زاده

از سال ۲۰۳ هجری که امام رضا(ع) توسط مامون به شهادت رسید و در سنناباد، نزدیکی توس، به خاک سپرده شد، مرقد شریفش به یکی از مهمترین و مقدس ترین نقاط ایران تبدیل شد. مکانی امن و تقدیس شده که در دوره های مختلف تاریخی تبدیل به حرم و بارگاه شاه خراسان شد. این بارگاه و شکوه و جلال آن به ویژه از دوره صفوی به بعد همیشه مورد توجه مسافران ایران و کسانی بود که در راه رفتن به شرق یا غرب از مشهدالرضا گذشته و بارگاه نورانی امام رضا را زیارت می کردند.

به تازگی چندین سفرنامه از مسافران غربی و شرقی منتشر شده که در دوره های مختلف تاریخی از شهر مشهد گذشته و به زیارت آستان مقدس امام رضا رفته اند. یکی از این ها سفرنامه «آلکس بارنز» است که در حدود سال ۱۲۱۰ شمسی یعنی زمان فتحعلی شاه قاجار به بهانه دیدار عباس میرزا نایب السلطنه به مشهد آمده و دیگری سفرنامه تاجری شیعه به اسم «حاجی داوود» است که از بمبئی تا مشهد را در سال ۱۳۰۵ یعنی دومین سال سلطنت پهلوی اول طی کرده است. این دو سفرنامه، شهر مشهد و حرم امام رضا را در فاصله نزدیک به صد سال از یکدیگر به تصویر کشیده اند؛ تصویری که از نگاه یک غربی و یک شرقی نشان می دهد این شهر در این مدت چقدر تغییر کرده است.

سفرنامه غربی

ستوان آلکس بارنز، عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مامور عالی رتبه کمپانی هند شرقی بود که در حدود سال های ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ - ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۲ شمسی - برای دیدار و مذاکره با مقامات عالی رتبه ایرانی از هند به ایران آمد. او افسری باسواد و اهل مطالعه بود که به فارسی می توانست صحبت کند و تاریخ ایران را خوانده بود. بارنز مسافرتش را از ۱۶ اوت ۱۸۳۱ از صحرای ترکمانان آغاز کرد و به سمت غرب یعنی خراسان حرکت کرد.

آن طور که او نوشته: بعد از یک ماه و گذر از صحرایی بزرگ در سپیده دم صبح چهاردهم سپتامبر کاروانشان پشت باروی مشهد با حالتی مشتاق و نگران در انتظار بود: «هنگام طلوع آفتاب کلیدهای دروازه را آوردند و بلافاصله دروازه را به روی ما گشودند»

بر خلاف آنچه آن ها در صحرا دیده بودند منظره شهری پر جمعیت و پویا در مقابلشان قرار داشت: «خیابانی که در آن قدم گذاشتیم، عریض و زیبا بود و از وسط آن نهر آبی می گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره های طلاپوش حرم امام رضا(ع) چشم انداز انتهای این خیابان را تشکیل می داد. ۱۲۰ نفر شتر از این خیابان گذشتند و وارد کاروانسرای بزرگ ازبک ها شدند. ما نیز بعد از آن ها وارد کاروانسرا شدیم. در بالکن عمارت، جایی که بهتر بتوانیم صحنه شلوغ محوطه پایین را مشاهده کنیم، جا گرفتیم. از آنجا که سیل جمعیت، این کاروانسرای بزرگ را پر کرده بود، به اجبار در صدد یافتن جای کوچکتری برآمدیم و چنین محلی را در همان نزدیکی پیدا کردیم»

کاروان بارنز زمانی به مشهد رسید که عباس میرزا نایب السلطنه در اردوی قوچان نزدیکی مشهد بود و خبر رسیده بود که افسران انگلیسی در حضورش هستند. آن ها به محض رسیدن پیامی برای نایب السلطنه فرستادند. در زمانی که منتظر اجازه نایب السلطنه بودند کمی شهر مشهد را گشتند. نخستین جایی را که دیدند ارگ نظامی بود که در آن زمان به دست خسرو میرزای جوان بود که از سوی پدر کفالت حکومت مشهد را داشت. بارنز از دیدن خسرو میرزا در مشهد بسیار متعجب شد چرا که او را پیش از این نماینده ایران در هیات عذرخواهی قتل گریابدوف دیده بود.

در این دیدار خسرو میرزا با بارنز گفت و گو و از سفرهایش سوال کرد. او از بارنز خواست تا فردای آن روز هم به دیدارش برود. فردا که آن ها دیدار کردند شاهزاده در ارگ در حال رتق و فتق امور بود: «نزدیک شدن به این نونهال خانواده سلطنتی دارای چنان تشریفات رسمی بود که گویی او شهریار کشور است. او آدم بسیار پر حرفی است و شرح مبسوطی درباره مسافرتش به روسیه بیان داشت. در طی این گفتار از آموزش و پرورش و آداب مذهب بانوان آن کشور بسیار ستایش کرد.»

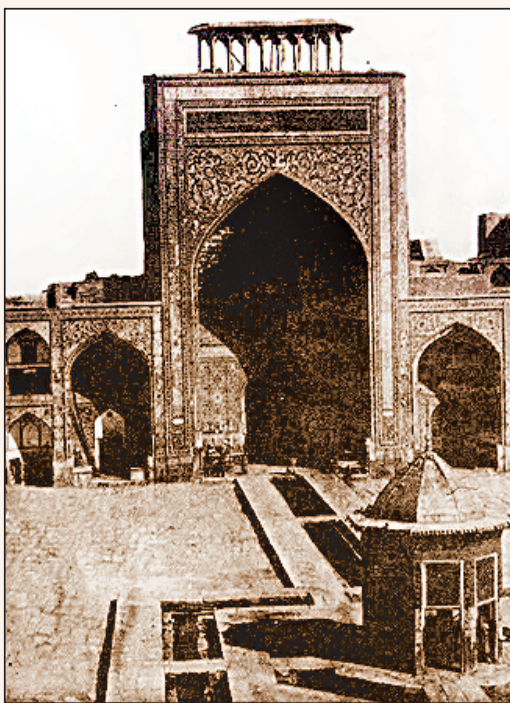
خسرو میرزا در آن زمان ۲۳ ساله بود و امتیازهای بزرگی بر سایر ایرانی ها داشت؛ ولی بارنز استعداد و نظریات او را ترجیح می داد: «او از من پرسید که آیا صنعت باستانی تهیه شیشه رنگی احیا شده است و اینکه آیا هنوز پیشرفت ما در مجسمه ها توانایی رقابت با یونان را دارد و اینکه جانور افسانه ای تک شاخ در یکی از

نقاط جهان پیدا شده است؟»

خسرو میرزا در ادامه از بارنز سوالاتی درباره ارتش و نظامیان پرسید: «آیا اعمال نظم و انضباط در بین سپاهیان غیر کادر و یا ایجاد یک نظام جدید قوانین و دولت در یک کشور خیلی دشوار است؟» او به اظهاراتش چنین ادامه داد که «در اروپا همه چیز متکی به تاریخ و تجربه است ولی در ایران چنین روش هایی هنوز خریدار ندارد. ایران که در دوران باستان دارای برتری جهانی بوده، اکنون در وادی سستی و خود پسندی سقوط کرده است و وضعیت جالبی ندارد. در اروپا عده ای هستند که انجیل را مطالعه می کنند و همچنین کسانی هستند که علاقه مند به علم می باشند.» و در آخر افزود: «در روسیه در بین طبقات بالاتر که من با آن ها در تماس بودم نفوذ کلیسا بسیار

نگاه سفرنامه ها به

مشهد الرضا (ع)



کم بود. باید اعتراف کنم که از شنیدن اظهارات این جوان که چنین عالمانه بود خرسند شدم، زیرا آگاهی انسان بر جهل خود، گام اول در طریق اصلاح است.»

مشهد فتحعلی شاهی

بارنز در روزهایی که منتظر پاسخ نایب السلطنه بود گشت و گذاری در شهر مشهد کرد و هر چند معتقد بود که توصیفی که «فریزر» به نام خراسان نوشته آن قدر دقیق هست که او چیزی بیشتر به آن نیفزاید، با این همه شهر عصر فتحعلی شاهی را چنین توصیف کرد: «در شهر مقدس مشهد مقبره امام رضا(ع) یعنی پنجمین سلاله علی(ع) منشعب می شود که دو تای آن ها وسیع، عریض و مشجر است. جوی آبی که از وسط این دو خیابان می گذرد، طراوت خاصی به آن ها داده است. در فاصله صد یاردی حرم مطهر زنجیری در عرض خیابان ها کشیده شده که بازار و بخش های ثروتمند شهر را در میان می گیرد و حیوانات و احشام را از مکان مقدس دور نگه می دارد. بخش پر جمعیت مشهد اینجا است؛ زیرا اگر چه باروهای شهر با طول تقریباً هشت مایل، حصاری به دور آن کشیده، سایر نقاط مخروبه است»

به گفته این عضو انجمن سلطنتی بریتانیا: «جمعیت مشهد به چهار هزار نفر نمی رسد. بخش اعظم فضای محصور را به گورستان اختصاص داده اند زیرا مردم معتقدند در گذشتگان در جوار یک امام، در آرامش به سر می برند. همچنین باغ های سایه داری به چشم می خورد که زندگی را لذت بخش می کند. به نظر می رسد اهالی مشهد از کندن زمین خوششان می آید؛ زیرا برای ورود به خانه ها باید از سرازیری گذشت و می گویند خاکی که از حفر زمین به دست می آید، به مصرف ساختن و تعمیرات خانه می رسد. آب شهر از طریق جوی ها و آب انبارها به خوبی تامین می شود.»

بارنز که با مردم ترکستان نیز صحبت کرده بود، درباره اختلافاتشان با خراسانیان نوشت: «مردم ترکستان می گویند امام رضا به واسطه اخلاق مردم مشهد به آنجا هجرت نمود زیرا این وضع

حضور آن حضرت را در آن شهر ایجاب می کرد. ازبک ها تکبیتی دارند که می گوید اگر آن شهر آن گنبد نبلگون را نداشت، اصولاً جای خوبی نبود. از سوی دیگر، ایرانی ها مشهد را با زبان توصیف می کنند: مشهد نورانی ترین نقطه روی زمین است زیرا محل اشراق انوار الهی است. در بین این دو گروه چه کسی حکمیت خواهد کرد؟ در بخارا یک شیعه خود را سنی وانمود می کند و در مشهد بر عکس یک سنی آرزومند است که شیعه به حساب آید.»

مدفن طلایی

بارنز در ادامه به توصیف حرم امام رضا(ع) می پردازد: «مدفن امام رضا(ع) تقریباً در وسط شهر در زیر گنبدی با پوششی از طلا قرار داشت که با دو مناره طلاپوش درخشان اطرافش برابری می کرد. این گنبد و مناره ها در زیر پرتو خورشید با درخشش زیادی نورافشانی می کردند. نزدیک قبر مطهر و در پشت آن، مسجد بزرگی با گنبد و مناره های آبی لاجوردی قرار دارد که به دستور گوهرشاد آغا یکی از اعیان تیمور بزرگ، ساخته شده است. زائری که به زیارت می آید باید ابتدا از بازار عبور کند. از زنجیر بگذرد تا وارد بست شود؛ جایی که در آن هیچ مجرمی قابل تعقیب نیست، سپس از گذرگاه طاقدار بلندی عبور کند و به محوطه وسیع چهارگوشی که از آثار شاه عباس کبیر است، برسد. اینجا صحن عتیق، محل استراحت زائران و آرامگاه در گذشتگان است.»

به گفته بارنز دورتادور این محل مانند کاروانسرا اتاق های کوچکی قرار دارد که به مدرسه اختصاص یافته است: «پوشش زمین از سنگ های قبوری تشکیل شده از جسد کسانی که اعتقاد دارند اعتقاد و آرزوی شان موجب شده است تا آن ها را پس از مرگ در این محل به خاک بسپارند.»

او همچنین درباره ایوان ها و حرم توضیح داده است: «ایوان ها و دیوارهای محوطه با کاشی های رنگی که بی شباهت به میناکاری نیست و منظره ای بدیع و باشکوه دارد، مزین شده است. مدخل حرم مطهر در جانب غربی صحن قرار دارد و از زیر طاق مخروطی بلندی می گذرد که به سبک معماری گوتیک ساخته و به بهترین وجه طلاکاری شده است. در اینجا بیشتر دیوارها آینه کاری است؛ بدین ترتیب که آینه هایی در داخل دیوار روی جدار خارجی تعبیه شده است و هنگام غروب آفتاب با آویزهای سقفی روشن می شود.» او شکوه زیادی را می بیند که به عنوان فردی غیرمسلمان نمی تواند به آن وارد شود؛ اما نمی شود از وسوسه دیدارش گذشت و با پنهان کردن صورتش سعی کرد وارد روضه شریف شود.

بعد از زیارت از حرم، آرامگاه نادرشاه افشار جای دیگری بود که بارنز از آن دیدار کرد. در آن زمان قبر نادر آن طور که بارنز می گوید محل مورد احترامی نبود و بنای نه چندان سالمی داشت. درختان باغش قطع و به جایش سبزیجات کاشته شده بود. بارنز البته اشتباهی در این بخش خاطراتش می کند و نوشته که چون اقامه محمدخان در جوانی توسط نادر موقوف النسل شده استخوان هایش را از خاک بیرون آورده، باغ را ویران کرده و بقایای جسد را در کاخ خود دفن کرده است.

سفرنامه شرقی

اما سفرنامه بعدی را حاجی داوود ناصر از افراد معتبر و سرشناس شیعیان خوجه بمبئی در حدود سال ۱۳۰۵ خورشیدی نوشته است. او که از روحانیون شیعه هند بود در آن سال از بمبئی خارج شده و راه سفرش با ماشین را از طریق پاکستان و مرز میرجاوه به سمت مشهد ادامه داده و آن طور که می گوید در گرمای مرداد سال ۱۳۰۵ پس از ۹ روز و ۲۰ ساعت به مشهد مقدس رسیده است: «گنبد طلایی حرم مبارک از فاصله ۵ تا ۷ مایلی نمایان بود و با تابش خورشید شکوه بیشتری پیدا می کرد. همه ما این صحنه وصف نشدنی را دیدیم و به بارگاه حضرتش ادای احترام کردیم و درود فرستادیم. حمام رفتیم و با ذکر صلوات و تضرع وارد حرم مبارک شدیم. پروردگار پاک را سپاس می گویم که با عنایت او بدون هیچ زحمت و مشکلی مسافرت خود را از بمبئی شروع کردیم و پس از ۹ روز و ۲۰ ساعت، در دهمین روز به مشهد مقدس رسیدیم.»

حاجی داوود می نویسد: «هنگامی که دزدآب را ترک کردیم، یک تلگراف برای متولی مشهد، جناب سید محمد کاظم لنگ فرستادیم. بدین سبب، دو سه مایل مانده به شهر به استقبال ما آمده بود. همه امکانات را در خانه زیبایش برای ما فراهم کرد.» به گفته وی متولی که احتمالاً یکی از مدیران آستان بوده است همه امکانات را در اختیار آن ها قرار داده بود و به مغازه داران سفارش می کرد رضایت زوار را جلب کنند و حتی گاهی به خاطر آن ها با دکانداران چانه می زد.



زندگی

اشاره: «زندگی فردی ناشناخته را بخوانید

و به اوضاع دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برهه‌ای از تاریخ گذشته آشنا شوید!» این آغاز کتابی است با عنوان «زندگی فردی ناشناخته» که ۷۰ سال پیش در قم منتشر شده و با گذشت زمان امروز حاوی معلوماتی خواندنی از مسائل آن ایام است که در جایی ثبت و ضبط نشده است.

اتومبیل به‌راه افتاد و بعد از یک شب که در اراک توقف داشت به‌قم رسید و در گاراژ امام وارد شده و در همان اطاق‌هایی که در آنجا بود توقف و فردا به‌منزل یکی از افاضل سربند رفتیم و بعد از چند روز منزلی در کوچه حرم کرایه و به آنجا منتقل شدیم.

آن آقا‌زاده که همراه ما بود به دو نفر از همشهریان که منزلی داشتند اجاری به پیوست، و بعد از چند روز ملتبس به لباس روحانیت شد و بعد چندی که درس ما به «سیوطی» رسید، کتاب سیوطی بزرگی خریده و زیر بغل گرفته بود و می‌فرمود:

طلبه باید خود را معرفی کند لکن متأسفانه بعد از چندی به‌وصی پدرش و قیّمش تلقّن کرد: که بعضی از هم منزلی‌هایم به‌من نظر سوء دارند و من توقف نمی‌کنم و رفت به دانشکده افسری ولی آنجا هم نتوانست بماند و به اداره دارایی رفت و مدّتی کارمند معاون رییس در بعضی شعب شد و اخیراً بسیار متدبّن و همیشه ذاکر بود و چندی پیش به‌رحمت ایزدی پیوست.

در همان سال اجتماع علماء در قم به‌واسطه سربازگیری که می‌خواستست در اصفهان انجام بگیرد، و به‌واسطه فشار مردم اصفهان مرحوم آیت‌الله آقای حاج آقا‌نورالله به‌قم آمده و از تمام شهرستان‌ها علماء به کمکش آمدند و اجتماع مفصّلی شد، و هر عالمی می‌خواست وارد شود مردم شهر به استقبالش می‌رفتند و او را تاصحن نو می‌آوردند و در بقعه صدراعظم می‌بردند و مدّتی طول می‌کشید تا مردم متفرّق و آن آقا هم به منزل برود و شنیده بودم آن آقا خودش تنها می‌ماند و نمی‌دانست کجا برود؟

و از شهر ما هم چند نفر به‌قم آمدند و من جمله یکی از سادات که مدّتی هم در نجف بوده و فعلاً در مشهد است با یکی از اعلام و شخصیت‌ها به‌نماینده‌گی علماء شهر آمدند و آقا ضیاء که در قم بود ضمیمه آنها شد و در منزل ما وارد شدند و ما گرفتار پذیرایی آن‌ها شدیم و دو اطاق که داشتیم جا نداشت و ما با دامادمان شب‌ها توی ایوان می‌خوابیدیم و چون شب‌ها هوا سرد بود چادرشبی جلوی ایوان کشیده بودیم. مرحوم حاج آقا‌نورالله و سایرین به‌دیدن آن‌ها آمدند اطاق‌ها جا نداشت و توی حیاط را فرش انداخته بودند.

قم مدّتی بدین‌منوال بود که هر روز عالمی از شهری می‌آمد و استقبالش می‌کردند و مذاکره با فرستاده‌های دولت که از تهران آمده بودند شروع شد.

رییس شهربانی قم به‌دیدار مرحوم آیت‌الله حاج آقا‌نورالله رفته بود و عرض کرده بود: فرمانی دارید بفرمایید اطاعت شود جواب فرموده بودند: هر وقت آفتابه را بردند، احتیاج به شما پیدا می‌شود.

در این گیر و دارها مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کنار کشیده بود و مورد اعتراض آقایان قرار گرفته بود، ولیکن ایشان می‌فرمود: که آقایان باید قبل از اینکه نظام‌وظیفه از شهرهای دیگر بگیرند اقدام کنند نه حالا که از اکثر شهرستان‌ها

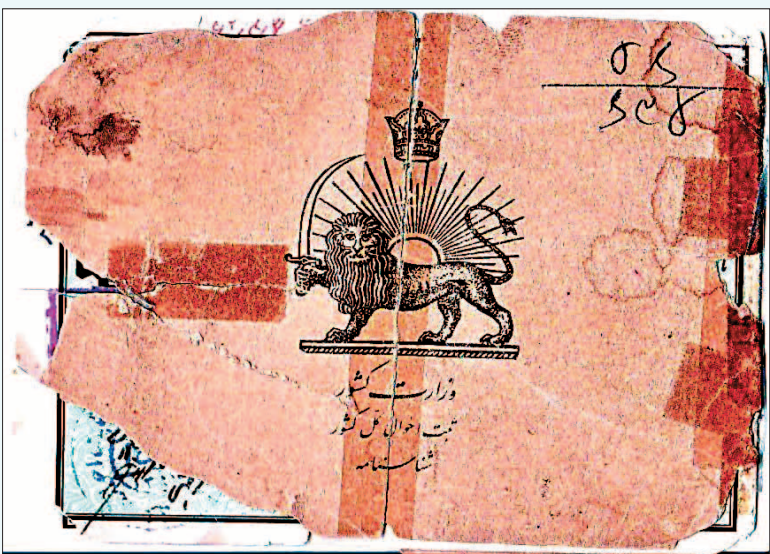
گرفته‌شده و چون به‌اصفهان رسیده این اقدام صورت گیرد.

آخرالامر هم ایشان به‌عنوان میانجیگری و وساطت دخالت کردند و تلگرافی به‌شاه که تازه از مسافرتی به تهران برگشته بود مخابره شد که متنش را نمی‌دانم ولیکن جوابی که شاه دادند این است: جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ عبدالکریم مجتهد، تلگراف شما رسید راجع به تبریک ورود مسرت حاصل، راجع به نظام‌وظیفه قانون مصوبه مجلس قابل ردّ و الغاء نیست. موکب همایونی رضا.

آخر در اثر پافشاری و زیر دربار وقت (که

زندگی فردی ناشناخته-۳

شناسنامه



بعداً اعدام شد) که اختیار تام داشت، ظاهراً با همراهانش به قم آمدند و مذاکراتی شد که بی‌نتیجه ماند.

تا اینکه به حضور آیت‌الله یزدی رسیدند و پرسشش می‌کند از مرحوم شیخ که: تکلیف ما با آقایان چیست؟ می‌فرمایند باید مابین علماء و دولت اتحاد و یگانگی باشد آقای وزیر در جواب می‌گوید: بلسی مابین دولت و علماء نه یک عده روضه‌خوان! اینجا مرحوم شیخ متغیر می‌شود و می‌فرماید: اگر نبود ملاحظه دماء مردم و سایر جهات به‌شما می‌فهمانیدم که آقایان چه کاره‌اند.

بعد از این اعتراض ناچار به حضور آقایان رفتند و مذاکراتی شد اما چگونه بود نمی‌دانم؟ و علما هم به مراکز خود عودت کردند و دو نفر از علماء بزرگ اصفهان به حضور شاه رفتند و سپس به‌اصفهان مراجعت کردند.

بعد از انقلاب، بیست صورت جواهرات سلطنتی که در روزنامه‌ها داده شد جزء صورت عصای مرصع به یکی از آن دو نفر و انگشتر برلیان به‌دیگری داده شده بود. مرحوم حاج آقا‌نورالله در قم ماند تا بعد از مدّتی جنازه‌اش را به نجف حمل و تمام اقدامات بی‌اثر بود.

زندگی با وضع بسیار فقیرانه‌ای می‌گذشت و از دامادمان جدا شده و خانه آقایی را که اخیراً در درود بود در کوچه درویشا اجاره و منتقل شدیم. منزل بسیار وسیع و خوبی بود لذا چهارساله آنرا اجاره کردیم و یک خانم سیّده هم شهری آنجا آوردند و نصف را به‌او دادند.

ولیکن متأسفانه این منزل پر از مار و عقرب بود! نمی‌دانم چگونه بود که فسخ اجاره را هم قبول نمی‌کرد تا آقا سیدی که نامش را نمی‌دانم از

نجف به قم آمده بود و او آمد برای اجاره‌کردنش من در جلسه به او گفتم: که این خانه پر از مار و عقرب است. ایشان فرمود: ما عادت کرده‌ایم و با مبلغی تخفیف به او اجاره داده شد.

در همین زمان دایی جوانی داشتم که از همه جهت آراسته بود جوانمرگ شد و پدرش به‌واسطه مرگ او مریض‌الحال شد و مادرم برای پذیرایی از پدرش نزد او ماند و ما تنها به‌قم آمدیم و به‌همان منزل کوچه حرم رفتیم. در همسایگی کارمند پستی بود که همسرش همشهری بود و از ما خیلی پذیرایی می‌کرد لکن در منزل تنها به‌ما سخت می‌گذشت و به‌مدرسه هم نمی‌توانستیم

تعطیل این بوده که متوجه شده‌اند دانشی که با آنها به‌این مبانی محکم تعلیم می‌شود بهترین حربه برای برابری با جعل قوانین و اقدامات دولت است) تحصیل با همین برنامه ادامه یافت امتحانات به‌موقع به تصدی ادارات فرهنگ برگزار می‌شد و آنانی که در امتحان قبول می‌شدند حق پوشیدن لباس روحانیت را داشتند والا باید متحدالشکل بشوند و از نظام وظیفه هم معاف بودند تا آخر تحصیل که باید به دانشکده افسری بروند. و لیکن در اواخر فشار دولت بیشتر شد و فقط کسی که تمام کلاس‌ها را امتحان داده و امتحان کلاس تخصص را هم داده و قبول شده می‌تواند معمم باشد فقط ما هم مشغول تحصیل طبق برنامه هستیم.

نمی‌دانم چگونه بود که شناسنامه نداشتیم با اینکه برادر بزرگتر و بچه‌هایش همه شناسنامه داشتند لیکن برای من نگرفته بودند. ظاهراً برای مدرسه رفتن چندان سخت‌گیری نمی‌کردند چون نزد عده‌ای مدرسه رفتن از محرمات بود و اداره فرهنگ برای مبارزه با این افکار سهل‌انگاری در شرایط می‌کرد.

به‌هر جهت، احتیاج به شناسنامه پیدا شد و باید شناسنامه بگیریم، یکی از همشهریان هم که سنش ده سال یا بیشتر از ما زیاده‌تر بود آنها شناسنامه می‌خواست آن وقت هم شناسنامه گرفتن عکس لازم نداشت از این جهت عده‌ای گفتند: شما سن را در شناسنامه زیاد بنویسید که گرفتار نظام وظیفه نشوید، رفتن خودتان هم لازم نیست ممکن است شخص بزرگتری به‌جای شما برود بعضی هم گفتند (که از صاحب مقامان متصدیان حوزه بود) دوسال کمتر بگیرید.

نمی‌دانم چگونه شد مادرم ظاهراً به دامادمان گفته بود که سن را زیاد بنویسید که مشمول نشود (چون پدر و مادر متمول داشت یگانه بودن هم برای معافی اثر نداشت) چون علاقه مفرط به‌من داشتم و علاوه دوره دوساله خدمت توأم با سختی و محرومیت‌های زیادی بود که شنیده بودم رضاشاه یک روز مقداری یخ به‌دست فرماده ژاندارمری یا ارتش می‌دهد و بعد دستور می‌دهد به‌دست افراد پایین بدرجات بدهند تا به‌دست فرد نظامی یا ژاندارم برسد، معلوم است چیزی باقی نمی‌ماند، و می‌گوید: حقوقی که دولت می‌دهد همین حال را دارد که فرد از آن محروم است، این چیزها باعث فرار از رفتن به سربازی بود.

روی این اصول این شخص همشهری که سنش هشت‌سال از ما بزرگتر بود عوض ما می‌فرستد و داماد ما عوض آن آقا، داماد ما بدون اشتباه خود را به‌جای آن شخص معرفی و مطابق دستور او شناسنامه را می‌گیرد آن آقا هم به‌جای ما خود را معرفی و سن بیست و چهار سال و هویتی تقریباً مطابق هویت خودش، و چون مأمور امار می‌گوید: این هویت در این شهر هست و موافقت می‌خواهد برای فرار از این اشکال خود مأمور می‌گوید: کجایی هستی؟ می‌گوید: اهل فلان شهر اسم شهر را اضافه می‌کند که استجازه نخواهد.

با گرفتن شناسنامه مقدمات امتحان فراهم شد و آن سال هم رونوشت گرفته بودند و در سال‌های بعد هم که رونوشت می‌خواستیم عویصه بود، چون اگر خودمان می‌رفتیم در تجدید نظر که بعد مقرر شده بود گرفتار می‌شدیم کما این‌که در مسافرت‌ها هم به‌این مصیبت گرفتار بودیم و باید قبل از رسیدن به‌هر شهری پیش از رسیدن به‌محل رسیدگی شناسنامه و مسافرتین پیاده شده تا از آنجا بگذریم و سوار شویم. کما این‌که بعداً این معنی خیلی اسباب زحمت شد در مابین راه اراک و ملایر مأمورین دنبال فراری بودند و ماشین‌ها را نگه می‌داشتند و شناسنامه‌ها را رسیدگی می‌کردند.



در موقع اقامت نویسنده در ترکیه،نائب‌رئیس‌امور دینی ترکیه، آقای «محمدیشار‌تور اوغلو» طسی یک مصاحبه رسمی مطبوعاتی، درباره وضع مساجد و امور دینی در ترکیه، اطلاعات جالب زیر را در اختیار خبرنگاران قرار داد که در مطبوعات ترکیه و جهان اسلام منتشر گردید:

از ۱۵سال پیش، طبق قانونی «مرکز امور دینی اسلامی در ترکیه» به وجود آمد که به‌وضع ۶۳ هزار مسجد موجود در ترکیه نظارت دارد. از این تعداد۳۵ هزار مسجد در روستاها و بقیه در شهرها و استان‌های کشور قرار دارد. این مرکز اسلامی به ۲۳ هزار پیشنماز و خطیب در شهرها و ۸۰ هزار در روستاها حقوق می‌پردازد و همه این افراد از فارغ التحصیلان مدار مخصوص علوم اسلامی هستند که هر سال ۲۰۰۰ پیشنماز و خطیب و فارغ التحصیل دارد. موزنین مساجد باید در مدارس حفظ قرآن دوره مخصوصی را دیده باشند. در ۵۸ مدرسه متوسط دینی سید قطب تا کنون سه بار و هر بار در ده هزار نسخه چاپ شده و نسخه‌های آن باز نایاب گشته است و علاوه بر این کتاب‌ها، ده‌ها کتاب ورساله اسلامی توسط نویسندگان اسلامی خود ترکیه تالیف و منتشر شده که برای هر ناظری، ادبیات و علوم دانشگاه‌های کشور نیز شرکت کنند و به تحصیل‌پیران‌ند.

در ترکیه امروز، چهار مرکز عالی اسلامی، وابسته به دانشگاه‌های کشور، وجود دارد که دوره آن برای فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه دینی، چهار سال است. در ترکیه ۲۴۲۴ مدرسه برای حفظ قرآن کریم وجود دارد که هم اکنون ۱۳۶ هزار محصل در آنها مشغول تحصیل و یادگرفتن و حفظ قرآن مجید هستند. مخارج هزار مدرسه از این مدارس را مرکز امور اسلامی می‌پردازد و بقیه به وسیله جمعیت‌های خیریه دینی و ملی، اداره می‌شوند. زیرا از جمعیت‌های خیریه دینی متجاوز از هزار سازمان، برای ساختمان مساجد و نظارت بر مدارس حفظ قرآن، کمک‌های لازم را می‌کنند. بودجه مرکز امور اسلامی ترکیه در سال گذشته ۱۰۸۴ میلیون لیره ترک(هر لیره ترک معادل ۶ ریال ایران است) و بودجه جمعیت‌های خیریه اسلامی در این حساب، منظور نشده است.

بنا به طریحی که هم اکنون در دست اجرا است، به زودی مدارس خطباء و پیشنمازان در ترکیه از ۵۸ به ۱۲۰ مدرسه افزایش خواهد یافت. و اخیرا به دختران مسلمان نیز اجازه داده شده است که با حفظ حجاب اسلامی، در مدارس حفظ قرآن، ثبت نام نمایند و هم اکنون گروه زیادی از دختران مسلمان، در این مدارس مشغول آموخن تعلیمات‌دینی هستند.



شرق بهشت

سروش‌ار از زندگی

شرق بهشت را «جان اشتاین‌یک» آمریکایی (۱۹۶۸–۱۹۰۲ م.) نوشته است. این دومین رمانی است که از این نویسنده غربی مطالعه کرده‌ام.نخستین اثر قلمی او را سال‌ها پیش خواندم؛ با لذت خواندم؛ خوشه‌های خشم».

«شرق بهشت» تنها یک رمان بلند مربوط به زندگی چند نسل در قالب چند خانواده با رفتارهای گوناگون نیست؛ بل فلسفه زندگی است. نویسنده شرق بهشت، صرفاً داستان‌سرانیست؛ بل فیلسوفی است که می‌کوشد از راز آمدن انسان در این جهان سردریابورد؛ با دست کم ذهن انسان را درگیر پرسش‌هایی ژرف و اساسی کند. این‌که اصلاً چرا جهان پدید آمده است؟ و آیا تولد جهان به خاطر انسان رخ داده است؟ انسان در این جهان چه‌کاره است و چه وظیفه و نقشی دارد؟ آیا او

فرهنگی

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶– سال نوودوم – شماره ۲۶۸۰۶

در موقع اقامت نویسنده در ترکیه، یک انستیتوی عالی اسلامی، در شهر معروف امیر IZMIR به وسیله مقامات رسمی کشور افتتاح شد برای تاسیس این انستینو که دارای سسالن کنفرانس، کتابخانه، مسجد، مسکن و محل خواب برای دانشجویان می‌باشد، ده میلیون و ۲۵۰ هزار لیره ترک خرج شده است و در سال اول خود، ۱۰۰ دانشجو برای تحصیل پذیرفت.

به موازات این کوشش‌های اسلامی، خوش بختانه مرکز اسلامی، به نشر و تجدید چاپ یا ترجمه کتاب‌های قدیم و جدید اسلامی همت گماشته و با قیمت بسیار مناسبی آنها را در اختیار عموم قرار می‌دهد. علاوه بر ترجمه و چاپ نشر کتاب‌های تفسیر و حدیث و فقه، در سه سال گذشته متجاوز از ۶۰ کتاب اسلامی از نویسندگان و متفکران جهان اسلام مانند:سیدقطب،ابوالاعلی مودودی، محمد قطب، ابوالحسن ندوی و دیگران، به زبان ترکی ترجمه گشته و با حروف لاتین؛ چاپ شده که مورد استقبال شدید نسل جوان ترکیه قرار گرفته اند. برای نمونه باید گفت که ترجمه کتاب«الداله الاجتماعية فی الاسلام»:عالت اجتماعی در اسلام،تالیف سید قطب تا کنون سه بار و هر بار در ده هزار نسخه چاپ شده و نسخه‌های آن باز نایاب گشته است و علاوه بر این کتاب‌ها، ده‌ها کتاب ورساله اسلامی توسط نویسندگان اسلامی خود ترکیه تالیف و منتشر شده که برای هر ناظری، نشان دهنده آینده امیدبخش می‌توانند باشند.

در ترکیه، در چند سال اخیر ده‌ها کتاب اسلامی از عربی و انگلیسی به زبان ترکی ترجمه و چاپ شده و با استقبال شدید مردم و نسل جوان رویه رو شده است، در اینجا بی مناسبت نیست که به این نکته نیز اشاره کنیم که در ترکیه امروز، به موزات کوشش‌های اسلامی رسمی، از طرف گروه‌های ملی و اسلامی غیر رسمی و نیز فعالیت‌های وسیعی در راه نشر اسلام به عمل می‌آید و کثرت و تعداد مطبوعات اسلامی، خود می‌تواند نشان دهنده عظمت جنبش اسلامی جدید ترکیه باشد. مطبوعات اسلامی ترکیه در مقیاس بسیار وسیع و به قیمت بسیار مناسبی – به علت کمک‌های مردم و چاپ آگهی – در اختیار عموم قرار می‌گیرد، مثلاً روزنامه مستقل و اسلامی بوگون BUGUN (امروز) که در متجاوز از ۸۰ هزار نسخه به‌طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می‌گردد، به قیمت ۳ ریال به فروش می‌رسد. اینجانب در ضمن بازدید از اداره این روزنامه و پس از مصاحبه مبسوط درباره مسائل اسلامی (که در صفحه اول آن روزنامه منتشر گردید) متوجه شدم که اکثریت کارمندان و نویسندگان این جریده اسلامی، جوانان مسلمان و پرشوری هستند و صاحب امتیاز و مدیر آن آقای محمد شوکت جوانی به سن تقریباً ۳۵ سال است.

نیز به خاطر این جهان آفریده شده است؟ رابطه انسان با جهان چیست و چگونه است و جهان چه رابطه‌ای با انسان دارد؟

انسان در همه زمان‌ها پیوسته با پرسش‌هایی این‌چنینی درگیر بوده است و همیشه ذهنش در جدال و دست و پنجه نرم کردن با پرسش‌هایی نظیر: چرا به دنیا آمده‌ام؟ زندگی و هدف از آن چیست؟ مردن چیست؟ آیا پس از مرگ، حیاتی هست؟ آیا پیش از زادن، بوده‌ام؟... و مانند آن بوده است. به عبارتی می‌توان شرق بهشت را داستان خیر و شر؛ خوبی و بدی؛ سیدلی و سیاهی و جاودانگی و تباهی دانست. به‌گونه‌ای که در همین زندگی دنیوی، خوب‌ها و بد‌ها میوه نیت و رفتارشان را می‌چینند و می‌چشند: خوب‌ها؛ میوه لذت و شیرین، بد‌ها؛ میوه تلخ و ناگوار.

اصولاً «انسان» در کارهای قلمی اشتاین‌یک– که چون دیگر رمان‌نویسان شهیر و چیره‌دست نظیر داستایوفسکی و بالزاک– اساس و محور اصلی است. بدون حضور و وجود انسان، هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد؛ هیچ چیز شدنی نیست؛ هیچ چیز شکل نمی‌گیرد و معنا و مفهومی ندارد؛ تهی است.

اما این انسان باید چگونه باشد؟؛ خوب، خوب؛ یا بد

علاوه بر روزنامه «بوگون» روزنامه «صباح» SABAH(صبح) نیز که یک روزنامه اسلامی است، به طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می‌گردد. روزنامه هفتگی «اتحاد» ITTIHAD نیز در متجاوز از ۴۰ هزار نسخه، در چندین رنگ چاپ می‌شود. و از طرف علویان ترکیه، که می‌گفتند تعداد آنان بالغ بر ۱۲ میلیون نفر

یادداشت‌های سفر ترکیه به قلم استاد خسروشاهی اطلاعات جالب



کتابخانه

مسجدایرانیان

در سراسر کشور می‌گردد و حزبی به نام «اتحاد» (بیرلک پارتی سی) تشکیل داده اند، هفته نامه‌ای به نام «اهل بیت یولو» EHL-IBEYTYOLU (راه اهل بیت) منتشر می‌شد و پس از توقیف آن، اکنون روزنامه «اهل بیت یونو» EHL-IBRYTUONU را منتشر می‌سازند.روزنامه دیگری هر پانزده روز یک بار به نام «الهی نور» IL-AHI NUR(نور خدا) در آنکارا چاپ می‌شود.

گذشته از روزنامه‌های یومیه و هفتگی و دوهفتگی اسلامی، ماهنامه‌های اسلامی زیادی نیز در ترکیه،در تیراژ بسیار وسیعی، همه ماهه چاپ و منتشر می‌گردد که از آن جمله است مجله‌های ماهانه«هالال» HALIL «حق سس» HAKSES (صدای حق) و «سوزن» SONMEZ (سوزنخاموش نمی‌شود) و «اسلام مدنیتی» ISLAM MEDENIYETI (تمدن اسلامی) و «حرکت» HAREKET (نهضت) او «اکو» ISLAMIN ILK

بدا؟ یا ملغمه‌ای از این دو؟

انسان، انسان است و در وجود این موجود عجیب، هر چیزی ممکن است و بعید نیست!

در حقیقت این نویسنده آمریکایی در شرق بهشت به انسان اهمیت و بها می‌دهد؛ و نشان می‌دهد که ارزش «انسان» و «انسانیت» خیلی فراتر از آن چیزی است که خیلی‌ها تصور می‌کنند.وی اندیشمند،انسان‌بودن،مسئولیت دارد. «آدم‌بودن» به معنای آن نیست که شخص تنهافضایی را اشغال کند. از این روست که می‌بینیم نویسنده این اجازه را به خود نمی‌دهد که هیچ یک از شخصیت‌های داستان، تنها باشد و تنها زندگی کند؛ حتی کله‌شق‌ترین و یک‌دنده‌ترین آن‌ها؛ حتی فاسدترین و گناه‌کارترین آن‌ها؛ حتی متفاوت‌ترین آن‌ها.و اگر شخصیتی – بنا به دلایل و شرایطی – تن به تنهایی داد، دیری نمی‌پاید که به خانواده‌اش می‌پیوندد و یا به مرگ سلام می‌گوید و به خط پایان زندگی می‌رسد. خلاصه این‌که:تنهایی مساوی است با بی‌هوگی و نابودی.

در شرق بهشت می‌بینیم که هیچ محدودیت سنی و اجتماعی برای عاقل بودن و منطقی فکر کردن و خود ندارد. این رمان، بزرگ‌شدن را درس می‌دهد و درک درست از زندگی را. از این روست که شخصیت‌های کتاب همه

EMRIOKU (نخستین امر اسلام: بخوان) و همچنین

نشریه سه ماهه و تئوریک و علمی «اسلام دوشونجه سی ISLAMDUSUNCESI» (ارزیابی اسلام).

این‌ها نمونه‌هایی از نشریات و مجلاتی بود که ما توانستیم در مدت اقامت کوتاه خود در ترکیه، آنها را به دست آوریم و بی‌شک مطبوعات و مجلات اسلامی

ترکیه هم با تعالیم صحیحی اسلامی آشناشوند. در اثر کوشش‌هایی که توسط ایشان انجام شده،در چند سال اخیر تعمیرات لازم در این مسجد به عمل آمده و کتابخانه آن تا حدود قابل توجهی، تکمیل شده‌است.ولی این کتابخانه که «کتابخانه اهل بیت» نام گرفته و در طبقه دوم مسجد قرار دارد، نیازمند توجه و همت اهل خیر است تا از نظر کیفیت و کمیت کتاب، وضع بهتر و آبرومندتری پیدا‌کند.

در چند سال گذشته چند نشریه در معرفی تشیع، به زبان ترکی چاپ و در ترکیه منتشر شده‌است که از آن جمله است: CAFER MEZHEBIVEEASSLARI (ترجمه اصل الشیعه مرحوم کاشف‌الغطاء) و:«اسلام‌لیوک حادنه» ISLAMDA BUYUK HEDISA حادشه بزرگ در اسلام) راجع به نهضت امام حسین علیه اسلام و«اسلامدا اشک یول، اهل بیت یولو» EHL-I BEYT YOLU (راه روشن در اسلام؛ راه ترجمه تشیع و «اسلام سسی» ISLAMIN SESI) صدای اسلام) و «دینین اساسلاری» DININ ESASLARI (اصول دین) و«دین عمل لر» DINIAMELLER (اعمال دینی- راجع به نماز)، علاوه بر این‌ها،نشریه فوق العاده مجله مکتب اسلام درباره شیعه» «مذهبی زنده و تعلیماتی عالی» نیز به ترکی ترجمه شده و تحت عنوان:«زنده بر مذهب و آوستون تعلیمات» VÄR ZINDER NİR ZINDER NİR USTUN TALIMAT در جراند ترکیه چاپ و منتشر گردیده‌است.

البته این اقدامات برای معرفی کامل تشیع کافی نیست و اگر بخواهیم به طور جدی به ارشاد شیعیان مقیم ترکیه بپردازیم و ۱۲ میلیون علوی ترکیه را با معارف اسلام و تشیع آشنا سازیم باید به کوشش‌های دامنه‌دارتری دست بزنیم، و با توجه به شرایط موجود در ترکیه، نسبت به علویان، باید مسجد ایرانیان را به شکل یک مرکز بزرگ اسلامی در آوریم تا علاوه بر ارشاد شیعیان، علویان را نیز با تعلیمات اسلام آشنا سازیم. خوشبختانه این هدف اخیرا شروع شده و در ماه رمضان گذشته هم طبق دعوت رسمی حضرت آقای صابری همدانی، گروه زیادی از علویان در مراسم این مراسم مسجد شرکت کرده‌اند و ما امیدواریم که بافتویت همه جانبه این مرکز، هر چه بیشتر به وظیفه خود عمل کرده باشیم.

مسئله علویان»

با اینکه بحث درباره علویان نیازمند مقالات مفصل و مشروحی است و این امر فعلاً از موضوع ما–یادداشت‌های سفر– خارج است، ولی به‌طور خلاصه باید گفت که علویان چه در ترکیه و چه در سوریه و لبنان و غیره، خود را شیعه و پیرو اهل بیت معرفی می‌کنند.

علویان ترکیه که متجاوز از ۱۲ میلیون نفر هستند، در روزنامه رسمی خود، خودشان را پیرو اهل بیت می‌نامند چنانکه رهبران گروه‌های علوی در کشورهای عربی و غیره

که ما را به وحشت انداخته و به ما الهام بخشیده است، تا آن‌جا که همواره در شگفتی و حیرت مانده‌ایم. انسان‌ها در کشاکش زندگی گیر کرده‌اند و برده اندیشه‌ها، خواسته‌ها، جاهطلبی‌ها،حرص و متممگری، عطفوت و سخاوت هستند.

خلاصه این که در دام خوب و بد اسیر هستند. به نظر من، این تنها اندیشه‌ای است که پیوسته در تمام سطوح اندیشه اتفاق می‌افتد. نیکی و بدی، ساختار نخستین مرحله آگاهی ما را تشکیل داده‌اند و ساختار نهایی انسان نیز بر اساس این دو استوار است. مهم نیست که قادر باشیم زمین، رودخانه، کوه، اقتصاد و آداب و رسوم را تغییر دهیم، چون اساس کار ما همان نیکی و بدی و این؛ افسانه آفرینش انسان است. هر انسانی که به گذشته خود می‌نگرد، تنها پرسشی که برایش مطرح می‌شود، این است: آیا گذشته من خوب بوده یا بد؟

در شرق بهشت، فرجام هر کس به فراخور رفتار و عملکرد و بر حسب نیت و طینت خود رقم می‌خورد. تقدیر و سرنوشت، عدالت را در حق هریک از آن‌ها جاری و اعمال می‌کند. به گونه‌ای که وقتی خواننده آخرین سطر رمان را مرور کرد، کتاب را با رضایت می‌بندد.

«همه قصه‌ها و شعرها، مضمونی واحد دارند؛ و آن

جنگ پایان‌ناپذیر خوب و بد در درون انسان است. به نظر

هم خود را شیعه اتنی عشری می‌نامند. مثلاً «محمد امین غالب طویل» در کتاب مفصل خود و «عبدالرحمن خیر» در مقدمه کتاب او، به‌طور صریح و آشکار می‌نویسند: ... علیرغم پندار و گمان بعضی‌ها، علویان دارای دین و مذهب خاصی نیستند، بلکه همهٔ علویان، مسلمان و شیعهٔ جعفری هستند و از نقطه نظر اعمال عبادی و مذهبی، چیزی که موجب جدایی آنان با دیگر جعفری‌ها گردد، وجود ندارد. علویان عقیده دارند که ائمه دوازده گانه (مانند پیامبران) معصوم از خطا و اشتباه هستند و اعمال و اقوال آنان، امکان ندارد که با قرآن و احادیث صحیح مخالفت داشته‌باشد... علویان علاوه بر ترکیه در کشورهای: سوریه، عراق، لبنان، مصر، یمن، شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و آمریکا–به ویژه برزیل – نیز به سر می‌برند ولی از تعداد مجموعی آنها آمار دقیق و کاملی در دست نیست.

علویان در زمان خلافت عثمانی در همه کشورها به شدت سرکوب شـدند ولی اخیراً گروهی از آنان در حکومت سوریه پست‌های مهمی را به دست آورده و نقش‌های حساسی را به عهده دارند (علویان را در سوریه تصویریه‌هم می‌نامند)

در ترکیه نیز علویان از نقطه نظر سیاسی، کوشش‌های وسیعی را آغاز کرده‌اند که تشکیل «برلیک پارتی سی» Birlikpartis «حزب اتحاد) و انتشار روزنامه ارگان این حزب، نشانه توسعه این فعالیت است جلسات دومین کنگره عمومی این حزب، اخیراً در استانبول برگزار شد و آنها رسماً اعلام کردند که خواستار حقوق مشروع و قانونی ۱۲ میلیون علوی در ترکیه هستند.

در اینجا آنچه که برای ما قابل توجه است این نکته است که متأسفانه گروه بسیاری از افراد علوی، که خود را رسماً شیعه جعفری هم می‌نامند از نقطه نظر اعمال و مراسم مذهبی، مطابق دیگر برادران خود رفتار نمی‌کنند و گاهی به پاره‌ای از افراط هم بی‌اعتنا هستند، البته ما در اینجا قصد پی‌جویی و بررسی این وضع را از دید جامعه‌شناسی و تاریخی و مذهبی نداریم، بلکه یادآور می‌شویم که اگر بتوانیم گروهی مبلغ ورزیده و فداکار، در میان علویان داشته باشیم، پیشرفت‌های زیادی نصیب ما خواهد شد و نه تنها برادران علوی ما از حقایق تشیع و اسلام آگاهی کامل خواهند یافت، بلکه برادران اهل سنت ما هم، در طرز عقیده و رفتار خود نسبت به علوی‌ها و دیگر شیعیان، تغییر کلی و اساسی خواهند داد.

اگر ما بتوانیم به علت شرایط نامساعد محلی گروهی مبلغ به میان علویان اعزام داریم بی‌شک (اگر بخواهیم) خواهیم توانست عدده‌ای از جوانان علوی را به حوزهای علمیه قم و نجف دعوت کنیم و آنان را پس از تکمیل معلومات و کسب علوم اسلامی لازم، به سرزمین‌های خودشان روانه سازیم و البته در این صورت اشکالات محلی نیز خود به خود برطرف خواهد شد.



من در این دنیا، بدی همواره در حال افزایش، اما خوبی و فضیلت، جاودانی است. بدی، همیشه سیمای جوان و تازه‌ای دارد، اما تقوا و فضیلت در دنیا همواره قابل احترام است» اشتاین یک هنگام نوشتن شرق بهشت، در یادداشت‌های روزانه خود می‌نویسد: «احساس خوبی برای نوشتن این کتاب دارم... ما یلم کتابی بنویسم که به‌طور هم‌زمان تسکین‌دهنده و محرک باشد... این کتابی است که آخر از همه باید نوشته شود؛ هیچ کتابی پس از آن نخواهد آمد؛ هیچ کتابی پس از آن نخواهم نوشت». آری! او خود می‌دانست که در حال خلق چه اثری است؛ اثری باشکوه و خواندنی. من بر این باورم که شرق بهشت، صرف‌فا سرگرم‌کننده نیست؛ تأمل‌برانگیز است و آدمی را خواننده‌خواه به فکر کردن وای می‌دارد. در شرق بهشت، فرجام هر کس به فراخور رفتار و عملکرد و بر حسب نیت و طینت خود رقم می‌خورد. تقدیر و سرنوشت، عدالت را در حق هریک از آن‌ها جاری و اعمال می‌کند. به گونه‌ای که وقتی خواننده آخرین سطر رمان را مرور کرد، کتاب را با رضایت می‌بندد.

گودرز گودرزی

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶– سال نوودودوم – شماره ۲۶۸۰۶

لوح

در کوچه باغ اندیشه – ۵۰

تشنگی، آب، ظلم

پاره می‌کنند. اینکه در «حمدالله»، «حمد» با فتح میم در نظر گرفت، و وسعت دادن نگاه است، نه تنگ کردن زندگی.

اینکه بگویم میان مرگ و زندگی جنگ وجود دارد، صحیح نیست. مرگ معبر زندگی است. زندگی از مرگ عبور می‌کند، هم در آغاز هم در پایان.

جامعه یا فردی که «پر» شود اما خالی نشود، دیر یا زود به انبار مشکلات مبدل خواهد شد.

احساس تشنگی، علامت وجود آب است اما آنجا که تشنگی باشد و آب نباشد، نشان وجود ظلم است.

احتیاج و نیاز علامت است. در جامعه‌ای که نیاز باشد اما امکان یا اجازه برطرف شدن نداشته باشد، با علامت بزرگ دیگری به نام «تباهی و فروپاشی» روبرو هستیم.

بدون شک انسان‌ها بیش از شرابه‌ای عالم می‌توانند همدیگر را مست کنند، اگر بخواهند.

مستی واقعی آن است که خدا انسان را و انسان انسان را در آن غوطه ور سازد.

یکی از شگفت‌ترین کارهای عالم، از دین و خدا گفتن برای مردمی است که به چیزی جز مشکلات و نیازهایشان فکر نمی‌کنند. آنکه نیاز دارد، خدا را برای ارضای نیاز می‌خواهد و آنکه غرق در مشکل است، خدا را نمی‌خواهد مگر به عنوان غریق نجات.

ستارگان همیشه روشن اند، هرچند تنها در تاریکی دیده می‌شوند.

آنکه رها نکند، رها نخواهد نشد. رهایی در رها کردن است و پس.

جامعه‌ای که قدر مستی را نداند، مستانگی از آن هجرت خواهد کرد و خراب‌ها جای مست ها را در آن خواهند گرفت.

جادوی دیگران را می‌توان باطل کرد اما جادوی کسی که خود خودش را سحر کرده باشد، قابل باطل کردن نیست.

در هر انسانی و از هر انسانی راهی به سوی خداوند وجود دارد که اگر کور نشده باشد، قابل کشف است.

در هر انسانی حریری نهفته است و زمهریری. حریر از جنس خداست و زمهریر از جنس شیطان.

یکی از مدافعان عقلانیت در جامعه ما استاد بزرگواری است که منته‌ها و غایت عقلانیت، عقلانیت کردنش در ناچیزترین گوشه‌ها و کنج‌ها سر از بحث‌هایی در می‌آورد که مخالفان شمشیر به دست عقل هم، دقیقاً همان‌ها را می‌گویند و می‌خواهند و به خاطرش سر می‌شکنند و شکم



در کشوری که سیاست توفیق نداشته باشد، اقتصاد بیرحمانه وارد میدان می‌شود و کار به آنجا می‌کشد که بخشهای مختلف جامعه یکدیگر را چپاول کنند.

در جامعه‌ای که سیاستمدارانش کفایت لازم را نداشته باشند، تنها یک راه برای احساس حیات و رشد وجود دارد و آن این است که بخشهای مختلف جامعه همدیگر را چپاول کنند.

اگر خدا و عقلانیت را از جامعه بگیریم آنچه می‌ماند چپاول‌های طولی و عرضی است. در این جامعه‌ها، ارباب سیاست ارباب اقتصاد را چپاول می‌کنند، ارباب اقتصاد نیز مردمان ضعیف را تاراج می‌کنند.

گریزی از ماوراءالطبیعه نیست. انسان در برابر طوفان متافیزیک چونان دانه شنی کوچک در هم پیچیده می‌شود، بخواهد یا نخواهد.

طوفان‌های غیبی با نسیم‌هایی شناخته و ناشناخته با تلاطم‌هایی از جنس مرگ و زندگی و حوادث ریز و درشت، انسان را در بر گرفته اند.

آنچه اوراق دفتر زندگی انسان را برمی‌گرداند، طبیعت نیست. غیب است. در برابر غیب، طبیعت با تمام عرض و طولش ورق و دفتری بیش نیست. آنچه خود طبیعت را ورق گردانی می‌کند، غیب است.

غیب هست و چون غیب هست، غیب الغیوبی هست که بر آن سیطره دارد و سیطره اش بر طبیعت و طبیعت آدمی را مسجّل و قطعی نموده است. گریزی از این سیر و چرخه نیست. **کریم فیضی**



در موقع اقامت نویسنده در ترکیه،نائب‌رئیس‌امور دینی ترکیه، آقای «محمدیشار‌تور اوغلو» طسّی یک مصاحبه رسمی مطبوعاتی، درباره وضع مساجد و امور دینی در ترکیه، اطلاعات جالب زیر را در اختیار خبرنگاران قرار داد که در مطبوعات ترکیه و جهان

اسلام منتشر گردید:

از ۱۵سال پیش، طبق قانونی «مرکز امور دینی اسلامی در ترکیه» به وجود آمد که به‌وضع ۶۳ هزار مسجد موجود در ترکیه نظارت دارد. از این تعداد۳۵ هزار مسجد در روستاها و بقیه در شهرها و استان‌های کشور قرار دارد. این مرکز اسلامی به ۲۳ هزار پیشنماز و خطیب در شهرها و ۸۰ هزار در روستاها حقوق می‌پردازد و همه این افراد از فارغ التحصیلان مدار مخصوص علوم اسلامی هستند که هر سال ۲۰۰۰ پیشنماز و خطیب و فارغ التحصیل دارد. موزنین مساجد باید در مدارس حفظ قرآن دوره مخصوصی را دیده باشند. در ۵۸ مدرسه متوسط دینی سید قطب تا کنون سه بار و هر بار در ده هزار نسخه چاپ شده و نسخه‌های آن باز نایاب گشته است و علاوه بر این کتاب‌ها، ده‌ها کتاب ورساله اسلامی توسط نویسندگان اسلامی خود ترکیه تالیف و منتشر شده که برای هر ناظری، ادبیات و علوم دانشگاه‌های کشور نیز شرکت کنند و به تحصیل‌پیرازند.

در ترکیه امروز، چهار مرکز عالی اسلامی، وابسته به دانشگاه‌های کشور، وجود دارد که دوره آن برای فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه دینی، چهار سال است.

در ترکیه ۲۴۲۴ مدرسه برای حفظ قرآن کریم وجود دارد که هم اکنون ۱۳۶ هزار محصل در آنها مشغول تحصیل و یادگرفتن و حفظ قرآن مجید هستند. مخارج هزار مدرسه از این مدارس را مرکز امور اسلامی می‌پردازد و بقیه به وسیله جمعیت‌های خیریه دینی و ملی، اداره می‌شوند. زیرا از جمعیت‌های خیریه دینی متجاوز از هزار سازمان، برای ساختمان مساجد و نظارت بر مدارس حفظ قرآن، کمک‌های لازم را می‌کنند. بودجه مرکز امور اسلامی ترکیه در سال گذشته ۱۰۸۴ میلیون لیره ترک(هر لیره ترک معادل ۶ ریال ایران است) و بودجه جمعیت‌های خیریه اسلامی در این حساب، منظور نشده است.

بنا به طریحی که هم اکنون در دست اجرا است، به زودی مدارس خطباء و پیشنمازان در ترکیه از ۵۸ به ۱۲۰ مدرسه افزایش خواهد یافت. و اخیرا به دختران مسلمان نیز اجازه داده شده است که با حفظ حجاب اسلامی، در مدارس حفظ قرآن، ثبت نام نمایند و هم اکنون گروه زیادی از دختران مسلمان، در این مدارس مشغول آموختن تعلیمات‌دینی هستند.



شرق‌بهشت

شرق بهشت را «جان اشتاین‌یک» آمریکایی (۱۹۶۸–۱۹۰۲ م.) نوشته است. این دومین رمانی است که از این نویسنده‌غربی مطالعه کرده‌ام.نخستین اثر قلمی او را سال‌ها پیش خواندم؛ با لذت خواندم؛ خوشه‌های خشم»

«شرق بهشت» تنها یک رمان بلند مربوط به زندگی چند نسل در قالب چند خانواده با رفتارهای گوناگون نیست؛ بل فلسفه زندگی است. نویسنده شرق بهشت، صرفاً داستان‌سرانیست؛ بل فیلسوفی است که می‌کوشد از راز آمدن انسان در این جهان سردرپیابد؛ در دست کم ذهن انسان را درگیر پرسش‌هایی ژرف و اساسی کند. این‌که اصلاً چرا جهان پدید آمده است؟ و آیا تولد جهان به خاطر انسان رخ داده است؟ انسان در این جهان چه‌کاره است و چه وظیفه و نقشی دارد؟ آیا او

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶– سال نوودوم – شماره ۲۶۸۰۶

در موقع اقامت نویسنده در ترکیه، یک انستیتوی عالی اسلامی، در شهر معروف امیر IZMIR به وسیله مقامات رسمی کشور افتتاح شد برای تأسیس این انستینو که دارای سسالن کنفرانس، کتابخانه، مسجد، مسکن و محل خواب برای دانشجویان می‌باشد، ده میلیون و ۲۵۰ هزار لیره ترک خرج شده است و در سال اول خود، ۱۰۰ دانشجو برای تحصیل پذیرفت.

به موازات این کوشش‌های اسلامی، خوش بختانه مرکز اسلامی، به نشر و تجدید چاپ یا ترجمه کتاب‌های قدیم و جدید اسلامی همت گماشته و با قیمت بسیار مناسبی آنها را در اختیار عموم قرار می‌دهد. علاوه بر ترجمه و چاپ نشر کتاب‌های تفسیر و حدیث و فقه، در سه سال گذشته متجاوز از ۶۰ کتاب اسلامی از نویسندگان و متفکران جهان اسلام مانند:سیدقطب،ابوالاعلی مودودی، محمد قطب، ابوالحسن ندوی و دیگران، به زبان ترکی ترجمه گشته و با حروف لاتین؛ چاپ شده که مورد استقبال شدید نسل جوان ترکیه قرار گرفته اند. برای نمونه باید گفت که ترجمه کتاب«الداله الاجتماعية فی الاسلام»:عالت اجتماعی در اسلام،تالیف سید قطب تا کنون سه بار و هر بار در ده هزار نسخه چاپ شده و نسخه‌های آن باز نایاب گشته است و علاوه بر این کتاب‌ها، ده‌ها کتاب ورساله اسلامی توسط نویسندگان اسلامی خود ترکیه تالیف و منتشر شده که برای هر ناظری، نشان دهنده آینده امیدبخش می‌توانند باشند.

در ترکیه، در چند سال اخیر ده‌ها کتاب اسلامی از عربی و انگلیسی به زبان ترکی ترجمه و چاپ شده و با استقبال شدید مردم و نسل جوان رویه رو شده است، در اینجا بی مناسبت نیست که به این نکته نیز اشاره کنیم که در ترکیه امروز، به موزات کوشش‌های اسلامی رسمی، از طرف گروه‌های ملی و اسلامی غیر رسمی و نیز فعالیت‌های وسیعی در راه نشر اسلام به عمل می‌آید و کثرت و تعداد مطبوعات اسلامی، خود می‌تواند نشان دهنده عظمت جنبش اسلامی جدید ترکیه باشد. مطبوعات اسلامی ترکیه در مقیاس بسیار وسیع و به قیمت بسیار مناسبی – به علت کمک‌های مردم و چاپ آگهی – در اختیار عموم قرار می‌گیرد، مثلاً روزنامه مستقل و اسلامی بوگون BUGUN (امروز) که در متجاوز از ۸۰ هزار نسخه به‌طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می‌گردد، به قیمت ۳ ریال به فروش می‌رسد. اینجانب در ضمن بازدید از اداره این روزنامه و پس از مصاحبه مبسوط درباره مسائل اسلامی (که در صفحه اول آن روزنامه منتشر گردید) متوجه شدم که اکثریت کارمندان و نویسندگان این جریده اسلامی، جوانان مسلمان و پرشوری هستند و صاحب امتیاز و مدیر آن آقای محمد شوکت جوانی به سن تقریباً ۳۵ سال است.

نیز به خاطر این جهان آفریده شده است؟ رابطه انسان با جهان چیست و چگونه است و جهان چه رابطه‌ای با انسان دارد؟

انسان در همه زمان‌ها پیوسته با پرسش‌هایی این‌چنینی درگیر بوده است و همیشه ذهنش در جدال و دست و پنجه نرم کردن با پرسش‌هایی نظیر: چرا به دنیا آمده‌ام؟ زندگی و هدف از آن چیست؟ مردن چیست؟ آیا پس از مرگ، حیاتی هست؟ آیا پیش از زادن، بوده‌ام؟... و مانند آن بوده است. به عبارتی می‌توان شرق بهشت را داستان خیر و شر؛ خوبی و بدی؛ سفیدی و سیاهی و جاودانگی و تباهی دانست. به‌گونه‌ای که در همین زندگی دنیوی، خوب‌ها و بد‌ها میوه نیت و رفتارشان را می‌چینند و می‌چشند: خوب‌ها؛ میوه‌لذید و شیرین؛ بد‌ها؛ میوه تلخ و ناگوار.

اصولاً «انسان» در کارهای قلمی اشتاین‌یک– که چون دیگر رمان‌نویسان شهیر و چیره‌دست نظیر داستایوفسکی و بالزاک– اساس و محور اصلی است. بدون حضور و وجود انسان، هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد؛ هیچ چیز شدنی نیست؛ هیچ چیز شکل نمی‌گیرد و معنا و مفهومی ندارد؛ تهی است.

اما این انسان باید چگونه باشد؟؛ خوب؛ خوب؛ یا بد؛

علاوه بر روزنامه «بوگون» روزنامه «صباح» SABAH(صبح) نیز که یک روزنامه اسلامی است، به طور یومیه در ۸ صفحه بزرگ و رنگی منتشر می‌گردد. روزنامه هفتگی «اتحاد» ITTIHAD نیز در متجاوز از ۴۰ هزار نسخه، در چندین رنگ چاپ می‌شود. و از طرف علویان ترکیه، که می‌گفتند تعداد آنان بالغ بر ۱۲ میلیون نفر

یادداشت‌های سفر ترکیه به قلم استاد خسروشاهی

اطلاعات جالب



کتابخانه

مسجدایرانیان

در سراسر کشور می‌گردد و حزبی به نام «اتحاد» (بیرلک پارتی سی) تشکیل داده اند، هفته نامه‌ای به نام «اهل بیت یولو» EHL-IBEYTYOLU (راه اهل بیت) منتشر می‌شد و پس از توقیف آن، اکنون روزنامه «اهل بیت یونو» EHL-IBRYTUONU،را منتشر می‌سازند.روزنامه دیگری هر پانزده روز یک بار به نام «الهی نور» IL-AHI NUR(نور خدا) در آنکارا چاپ می‌شود.

گذشته از روزنامه‌های یومیه و هفتگی و دوهفتگی اسلامی، ماهنامه‌های اسلامی زیادی نیز در ترکیه،در تیراژ بسیار وسیعی، همه ماهه چاپ و منتشر می‌گردد که از آن جمله است مجله‌های ماهانه«هالال» HALIL «حق سس» HAKSES (صدای حق) و «سوزن» SONMEZ(ساختاموش نمی‌شود) و «اسلام مدنیتی» ISLAM MEDENIYETI (تمدن اسلامی) و «حرکت» HAREKET(نهضت) او «اکو» ISLAMIN ILK

بدا؟ یا ملغمه‌ای از این دو؟

انسان، انسان است و در وجود این موجود عجیب، هر چیزی ممکن است و بعید نیست!

در حقیقت این نویسنده آمریکایی در شرق بهشت به انسان اهمیت و بها می‌دهد؛ و نشان می‌دهد که ارزش «مواظب کسی باش که می‌خواهد بی‌جهت به تو محبت کند!» بدون تردید منظوری دارد» که برگردان آن می‌شود زبان‌زد معروف خودمان: «هیچ گره‌ای برای رضای خدا، موش نمی‌گیرد»!

نویسنده از زبان «لی» – این خدمت‌گزار باوفا و دل‌سوز و روشن‌فکر چینی تبار – می‌نویسد: «الدوبارتز از این نیست که انسان‌ها تنها با چسباندن تمبر [نوشتن نامه] با هم ارتباط داشته باشند. اگر آن‌ها نتوانند یک‌دیگر را لمس کنند، ببینند یا صدا بزنند، بهتر است هم‌دیگر را فراموش کنند.» به هنگام مطالعه فصل سی و چهارم شرق بهشت، توانستم از نوشتن این نوشتار کوتاه خودداری کنم. در فصل یاد شده آمده است: «شاید کودکی پیرسد: –ماجرای دنیا چیست؟ شاید مرد با زنی بالغ پیرسد: –دنیا به کجا می‌رود؟ پایان آن چگونه است؟ داستان این رمان، بزرگ‌شدن را درس می‌دهد و درک درست از زندگی را. از این روست که شخصیت‌های کتاب همه با بیهودگی و نابودی...

در شرق بهشت می‌بینیم که هیچ محدودیت سنی و اجتماعی برای عاقل‌بودن و منطقی فکر کردن و خود ندارد. این رمان، بزرگ‌شدن را درس می‌دهد و درک درست از زندگی را. از این روست که شخصیت‌های کتاب همه

EMRIOKU (نخستین امر اسلام: بخوان) و همچنین

تشریه سه ماهه و تئوریک و علمی «اسلام دوشونجه سی ISLAMDUSUNCESI» (ارزیابی اسلام).

این‌ها نمونه‌هایی از نشریات و مجلاتی بود که ما توانستیم در مدت اقامت کوتاه خود در ترکیه، آنها را به دست آوریم و بی‌شک مطبوعات و مجلات اسلامی

ترکیه هم با تعلیم صحیحی اسلامی آشنا شوند.

در اثر کوشش‌هایی که توسط ایشان انجام شده،در چند سال اخیر تعمیرات لازم در این مسجد به عمل آمده و کتابخانه آن تا حدود قابل توجهی، تکمیل شده‌است.ولی این کتابخانه که «کتابخانه اهل بیت» نام گرفته و در طبقه دوم مسجد قرار دارد، نیازمند توجه و همت اهل خیر است تا از نظر کیفیت و کمیت کتاب، وضع بهتر و آبرومندتری پیدا کند.

در چند سال گذشته چند نشریه در معرفی تشیع، به زبان ترکی چاپ و در ترکیه منتشر شده‌است که از آن جمله است: CAFER MEZHEBIVEEASSLARI (ترجمه اصل الشیعه مرحوم کاشف‌الغطاء) و:«اسلام‌لیوک حادنه» ISLAMDA BUYUK HEDISA حادشه بزرگ در اسلام) راجع به نهضت امام حسین علیه اسلام و«اسلامدا اشک یول، اهل بیت یولو» EHL-I BEYT YOLU (راه روشن در اسلام؛ راه ترجمه تشیع و «اسلام سسی» ISLAMIN SESI) صدای اسلام) و«دینین اساسلاری» DININ ESASLARI (اصول دین) و«دین عمل لر» DINIAMELLER (اعمال دینی-تراجع به نماز)، علاوه بر این‌ها،نشریه فوق العاده مجله مکتب اسلام درباره شیعه» «مذهبی زنده و تعلیماتی عالی» نیز به ترکی ترجمه شده و تحت عنوان:«زنده بر مذهب و آوستون تعلیمات» VÄR ZINDER NİR ZINDER NİR USTUN TALIMAT در جراند ترکیه چاپ و منتشر گردیده‌است.

البته این اقدامات برای معرفی کامل تشیع کافی نیست و اگر بخواهیم به طور جدی به ارشاد شیعیان مقیم ترکیه بپردازیم و ۱۲ میلیون علوی ترکیه را با معارف اسلام و تشیع آشنا سازیم باید به کوشش‌های دامنه‌دارتری دست بزنیم، و با توجه به شرایط موجود در ترکیه، نسبت به علویان، باید مسجد ایرانیان را به شکل یک مرکز بزرگ اسلامی در آوریم تا علاوه بر ارشاد شیعیان، علویان را نیز با تعلیمات اسلام آشنا سازیم. خوشبختانه این هدف اخیراً شروع شده و در ماه رمضان گذشته هم طبق دعوت رسمی حضرت آقای صابری همدانی، گروه زیادی از علویان در مراسم این مراسم مسجد شرکت کرده‌اند و ما امیدواریم که بافتویت همه جانبه این مرکز، هر چه بیشتر به وظیفه خود عمل کرده باشیم.

مسئله علویان»

با اینکه بحث درباره علویان نیازمند مقالات مفصل و مشروحی است و این امر فعلاً از موضوع ما-یادداشت‌های سفر- خارج است، ولی به‌طور خلاصه باید گفت که علویان چه در ترکیه و چه در سوریه و لبنان و غیره، خود را شیعه و پیرو اهل بیت معرفی می‌کنند.

علویان ترکیه که متجاوز از ۱۲ میلیون نفر هستند، در روزنامه رسمی خود، خودشان را پیرو اهل بیت می‌نامند چنانکه رهبران گروه‌های علوی در کشورهای عربی و غیره

که ما را به وحشت انداخته و به ما الهام بخشیده است، تا آن‌جا که همواره در شگفتی و حیرت مانده‌ایم. انسان‌ها در کشاکش زندگی گیر کرده‌اند و برده اندیشه‌ها، خواسته‌ها، جاهطلبی‌ها،حرص و متممگری، عطفوت و سخاوت هستند.

خلاصه این که در دام خوب و بد اسیر هستند. به نظر من، این تنها اندیشه‌ای است که پیوسته در تمام سطوح اندیشه اتفاق می‌افتد. نیکی و بدی، ساختار نخستین مرحله آگاهی ما را تشکیل داده‌اند و ساختار نهایی انسان نیز بر اساس این دو استوار است. مهم نیست که قادر باشیم زمین، رودخانه، کوه، اقتصاد و آداب و رسوم را تغییر دهیم، چون اساس کار ما همان نیکی و بدی و این؛ افسانه آفرینش انسان است. هر انسانی که به گذشته خود می‌نگرد، تنها پرسشی که برایش مطرح می‌شود، این است: آیا گذشته من خوب بوده یا بد؟

ماجرای دنیا چیست؟ شاید مرد با زنی بالغ پیرسد: –دنیا به کجا می‌رود؟ پایان آن چگونه است؟ داستان آملن ما به این دنیا چیست؟ معتقدم که در این دنیا، تنها یک انسان وجود دارد

جنگ پایان‌ناپذیر خوب و بد در درون انسان است. به نظر

هم خود را شیعه اتنی عشری می‌نامند. مثلاً «محمد امین غالب طویل» در کتاب مفصل خودو «عبدالرحمن خیر» در مقدمه کتاب او، به‌طور صریح و آشکار می‌نویسند: ... علیرغم پندار و گمان بعضی‌ها، علویان دارای دین و مذهب خاصی نیستند، بلکه همهٔ علویان، مسلمان و شیعهٔ جعفری هستند و از نقطه نظر اعمال عبادی و مذهبی، چیزی که موجب جدایی آنان با دیگر جعفری‌ها گردد، وجود ندارد. علویان عقیده دارند که ائمه دوازده گانه (مانند پیامبران) معصوم از خطا و اشتباه هستند و اعمال و اقوال آنان، امکان ندارد که با قرآن و احادیث صحیح مخالفت داشته‌باشد...

علویان علاوه بر ترکیه در کشورهای: سوریه، عراق، لبنان، مصر، یمن، شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و آمریکا-به ویژه برزیل – نیز به سر می‌برند ولی از تعداد مجموع آنها آمار دقیق و کاملی در دست نیست.

علویان در زمان خلافت عثمانی در همه کشورها به شدت سرکوب شدند ولی اخیراً گروهی از آنان در حکومت سوریه پیست‌های مهمی را به دست آورده و نقش‌های حساسی را به عهده دارند (علویان را در سوریه تصویریه‌هم می‌نامند)

در ترکیه نیز علویان از نقطه نظر سیاسی، کوشش‌های وسیعی را آغاز کرده‌اند که تشکیل «برلیک پارتی سی» Birlikpartis «حزب اتحاد) و انتشار روزنامه ارگان این حزب، نشانه توسعه این فعالیت است جلسات دومین کنگره عمومی این حزب، اخیراً در استانبول برگزار شد و آنها رسماً اعلام کردند که خواستار حقوق مشروع و قانونی ۱۲ میلیون علوی در ترکیه هستند.

در اینجا آنچه که برای ما قابل توجه است این نکته است که متأسفانه گروه بسیاری از افراد علوی، که خود را رسماً شیعه جعفری هم می‌نامند از نقطه نظر اعمال و مراسم مذهبی، مطابق دیگر برادران خود رفتار نمی‌کنند و گاهی به پاره‌ای از افراط هم بی‌اعتنا هستند، البته ما در اینجا قصد پی‌جویی و بررسی این وضع را از دید جامعه‌شناسی و تاریخی و مذهبی نداریم، بلکه یادآور می‌شویم که اگر بتوانیم گروهی مبلغ ورزیده و فداکار، در میان علویان داشته باشیم، پیشرفت‌های زیادی نصیب ما خواهد شد و نه تنها برادران علوی ما از حقایق تشیع و اسلام آگاهی کامل خواهند یافت، بلکه برادران اهل سنت ما هم، در طرز عقیده و رفتار خود نسبت به علوی‌ها و دیگر شیعیان، تغییر کلی و اساسی خواهند داد.

اگر ما بتوانیم به علت شرایط نامساعد محلی گروهی مبلغ به میان علویان اعزام داریم بی‌شک (اگر بخواهیم) خواهیم توانست عدده‌ای از جوانان علوی را به حوزهای علمیه قم و نجف دعوت کنیم و آنان را پس از تکمیل معلومات و کسب علوم اسلامی لازم، به سرزمین‌های خودشان روانه سازیم و البته در این صورت اشکالات محلی نیز خود به خود برطرف خواهد شد.



من در این دنیا، بدی همواره در حال افزایش، اما خوبی و فضیلت، جاودانی است. بدی، همیشه سیمای جوان و تازه‌ای دارد، اما تقوا و فضیلت در دنیا همواره قابل احترام است.» اشتاین یک هنگام نوشتن شرق بهشت، در برای نوشتن این کتاب دارم... مايلم کتابی بنویسم که به‌طور هم‌زمان تسکین‌دهنده و محرک باشد... این کتابی است که آخر از همه باید نوشته شود؛ هیچ کتابی پس از آن نخواهد آمد؛ هیچ کتابی پس از آن نخواهم نوشت». آری! او خود می‌دانست که در حال خلق چه اثری است؛ اثری باشکوه و خواندنی. من بر این باورم که شرق بهشت، صرفاً سرگرم‌کننده نیست؛ تأمل‌برانگیز است و آدمی را خواننده‌خواه به فکر کردن وای می‌دارد. در شرق بهشت، فرجام هر کس به فراخور رفتار و عملکرد و بر حسب نیت و طینت خود رقم می‌خورد. تقدیر و سرنوشت، عدالت را در حق هریک از آن‌ها جاری و اعمال می‌کند. به گونه‌ای که وقتی خواننده آخرین سطر رمان را مرور کرد، کتاب را با رضایت می‌بندد.

گودرز گودرزی

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶– سال نوودودوم – شماره ۲۶۸۰۶

ویژه فرهنگ‌تاریخ و تمدن ایران وجهان ۳۳۲ **اخباریات**

لوح

در کوچه باغ اندیشه – ۵۰

تشنگی، آب، ظلم

پاره می‌کنند. اینکه در «حمدالله»، «حمد» با فتح میم در نظر گرفت، و وسعت دادن نگاه است، نه تنگ کردن زندگی.

اینکه بگویم میان مرگ و زندگی جنگ وجود دارد، صحیح نیست. مرگ معبر زندگی است. زندگی از مرگ عبور می‌کند، هم در آغاز هم در پایان.

جامعه یا فردی که «پر» شود اما خالی نشود، دیر یا زود به انبار مشکلات مبدل خواهد شد.

احساس تشنگی، علامت وجود آب است اما آنجا که تشنگی باشد و آب نباشد، نشان وجود ظلم است.

احتیاج و نیاز علامت است. در جامعه‌ای که نیاز باشد اما امکان یا اجازه برطرف شدن نداشته باشد، با علامت بزرگ دیگری به نام «تباهی و فروپاشی» روبرو هستیم.

بدون شک انسان‌ها بیش از شرابه‌ای عالم می‌توانند همدیگر را مست کنند، اگر بخواهند.

مستی واقعی آن است که خدا انسان را و انسان انسان را در آن غوطه ور سازد.

یکی از شگفت‌ترین کارهای عالم، از دین و خدا گفتن برای مردمی است که به چیزی جز مشکلات و نیازهایشان فکر نمی‌کنند. آنکه نیاز دارد، خدا را برای ارضای نیاز می‌خواهد و آنکه غرق در مشکل است، خدا را نمی‌خواهد مگر به عنوان غریق نجات.

ستارگان همیشه روشن اند، هرچند تنها در تاریکی دیده می‌شوند.

آنکه رها نکند، رها نخواهد نشد. رهایی در رها کردن است و پس.

جامعه‌ای که قدر مستی را نداند، مستانگی از آن هجرت خواهد کرد و خراب‌ها جای مست ها را در آن خواهند گرفت.

جادوی دیگران را می‌توان باطل کرد اما جادوی کسی که خود خودش را سحر کرده باشد، قابل باطل کردن نیست.

در هر انسانی و از هر انسانی راهی به سوی خداوند وجود دارد که اگر کور نشده باشد، قابل کشف است.

در هر انسانی حریری نهفته است و زمهریری. حریر از جنس خداست و زمهریر از جنس شیطان.

یکی از مدافعان عقلانیت در جامعه ما استاد بزرگواری است که منته‌ها و غایت عقلانیت، عقلانیت کردنش در ناچیزترین گوشه‌ها و کنج‌ها سر از بحث‌هایی در می‌آورد که مخالفان شمشیر به دست عقل هم، دقیقاً همان‌ها را می‌گویند و می‌خواهند و به خاطرش سر می‌شکنند و شکم گریزی از این سیر و چرخه نیست. **کریم فیضی**



سفر

دکتر منیژه مشیری



باید برای سفر آماده شوم. مقصد مجموعه آثار باستانی تخت سلیمان، یعنی آتشکده آذرگشنسب و معبد آناهیتا در استان آذربایجان غربی است. روز حرکت ۳۰ تیر ۱۳۸۴ و مسیر بعد از ترک تهران، گذر از کرج، قزوین، زنجان، بیجار، تکاب و سرانجام رسیدن به تخت سلیمان است. سعی می‌کنم دانسته‌هایم را درباره آذرگشنسب و آناهیتا یاد آورم. به حلقه‌های گمشده‌ای از دانسته‌هایم بر می‌خورم که حافظه در دسترسم قرار نمی‌دهد. باید به منابع نگاهی بیندازم و یادداشت بردارم. این‌ها توشه سفر من است برای گروهی که با هم همسفریم.

آتشکده آذرگشنسب

نام این آتشکده در پهلوی به صورت ātur- gušnasp است. این واژه به صورت آذر گشنسپ هم آمده است. در فرهنگ پهلوی درباره آن چنین آمده است: «آذر گشنسب که از آن همه سران و سپهبدان و بزرگان بود، آتش شاهنشاهی ایران بود و جایگاه آن در آذربایجان در «شیز» یاد گردیده است. جای این شهر را گروهی از دانشمندان خاور شناس، همان ویرانه تخت سلیمان کنونی در آذربایجان دانسته‌اند. این ویرانه در یک صد میلی جنوب شرقی دریاچه ارومیه در خاک افشار است» (فره وش، ۵۵).

در برهان قاطع (ص ۲۰) معانی زیر برای صورت‌های مختلف این واژه آمده است:

«آذرشپ یا آذرشسپ: نام فرشته‌ای است موکل آتش و پیوسته در میان آتش می‌باشد. آذر گشنسپ: نام فرشته‌ای است موکل بر آتش و پیوسته در آتش می‌باشد و مخفف آذر گشنسپ هم هست. آذر گشنسب: نام آتشکده گشتاسب است که در بلخ ساخته بود و تمام گنجهای خود را آنجا گذاشته و ذوالقرنین آنرا خراب کرد و گنج‌ها را برداشت و مطلق آتشکده را نیز گویند و بمعنی برق هم آمده است و آتش و آتش پرست را نیز گفته‌اند و نام فرشته ایست موکل بر آتش و پیوسته در آتش مقام دارد. و معنی ترکیبی آن آتش جهنده باشد. چه آذر بمعنی آتش و گشنسپ به معنی جهنده و خیز کننده آمده است و این معنی مناسب تمام به برق دارد.»

فرهنگ معین (ج ۵، ص ۱۵) معانی زیر را برای این واژه داده است:

«(۱) یکی از سرداران پیروز ساسانی که در شاهنامه از او یاد شده است.

(۲) یکی از سرداران معروف خسرو پرویز است که نامش در شاهنامه هم آمده.

(۳) [آتش اسب نر] یکی از سه آتشکده مهم عهد ساسانی که در شیز (آذربایجان) - تخت سلیمان کنونی - واقع بوده و به شاهان و جنگجویان اختصاص داشته است.»

دهخدا بیت‌هایی از نظامی می‌آورد که در آنها جای این آتشکده در بلخ ذکر شده است و بیت‌هایی نیز از شاهنامه می‌آورد که جای آنرا در آذربایجان می‌داند. دهخدا نظر نظامی را در این مورد معتبر نمی‌داند.

استاد پور داود در مورد آذرگشنسپ به طور بسیار گسترده‌ای نظریات و برداشت‌های گوناگونی را به طور مستند ارائه می‌دهد.

می‌گویند این آتشکده بمدت هفتصد سال روشن بوده و خاکستر نداشته است. از این رو به آتشکده آذرگشنسب آتش همیشه جاودان می‌گفته‌اند. امکان دارد این مکان به علت وجود چشمه نفت و اشتعال طبیعی آن و یا گاز متصاعد از آن و شاید هم بر اثر وجود گازهای آبهای گرم زیر زمینی، که از این نقطه به بیرون راه یافته بودند، برای زمانی طولانی مشتعل بوده است. لازم به ذکر است که در این مکان چشمه‌های آب معدنی وجود دارد.

شیز

در فرهنگ پهلوی آوا نگاری این واژه با علامت سسئوال و به صورت apikān? š. آمده است (فره وش، ۴۱۶). توضیح واژه در این فرهنگ به این گونه است: «گنج شپیکان که بنا به روایت دینکرت نسخه‌ای از اوستا در آن نهاده شده بود. این کلمه به صورت aspikānš نیز آورده شده. دارمستتر آن را ščikān می‌خواند به معنی منسوب به شهر شیز که آتشکده شاهی آذر گشنسب نیز در آنجا بوده است.»

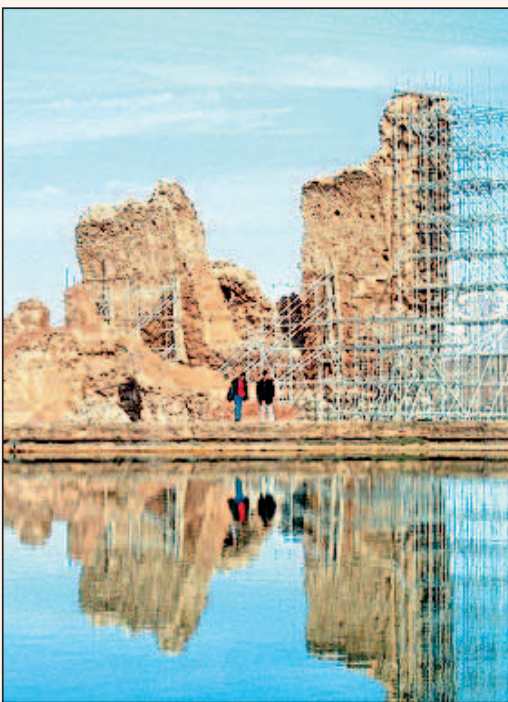
همچنین در مقابل واژه‌های پهلوی aspikānš gan چنین توضیح می‌دهد: «گنج‌ای شپیکان، نام گنجینه شاهی است که نسخه‌ای از اوستا به دستور دارای دارایان در آن نگاهداری می‌شد. این نسخه از اوستا بنا

بر روایت دینکرت به دست اسکندر می‌افتد و به زبان یونانی ترجمه می‌گردد. واژه پهلوی apikān.š را می‌توان izikānš هم خواند. چنانچه دارمستتر نیز آنرا چنین می‌خواند و در اینصورت گنج شیز یکان گنج شیز یا گنجینه آتشکده آذرگشنسپ که در شیز بوده است. جای این آتشکده تخت سلیمان کنونی در آذربایجان است.» همچنین برای واژه پهلوی ganak (گنجک) چنین توضیح داده است: «شهر گنج. در کتاب شهر ستانهای ایران آمده: در جانب آذربایجان شهر ستان گنج را افراسیاب تورانی ساخت.

گزک gazaka که در نوشته‌های استرابو آمده در نوشته‌های ارمنی گنزک ganzak خوانده شده است، ناگزیر همان واژه گنجک است بمعنی گنجینه و خانه گنج. پلینیوس Plinius رومی می‌نویسد: شهر آثروپته (آذربایجان) گزته gazae است. امیانوس مارسلینوس می‌نویسد در این سرزمین (آذربایجان) شهر بسیار است. در سر آنها

سفر به تخت سلیمان

حلقه‌های گمشده



می‌توان از gazaca و... نام برد. در نوشته‌های پیشین بسیار به نام این شهر، کزنا، جزنه، جزنق، جز اینها بر می‌خوریم. همچنین نام دیگر این شهر شیز در همه جا یاد گردیده است و همه نوشته‌اند که آذرگشنسب آتشکده نامور پادشاهی در اینجاست. مارکوارت پیش اربین گمان می‌کرد که گنجک (شیز) همان ویرانه تخت سلیمان کنونی باشد چنانکه در کتاب خود ایران‌شهر، ص ۱۰۸ چنین نوشته است: «فره وش، ۱۶۸ و ۱۶۹).

در مینوی خرد آمده است: «از کیخسرو سود این بود که افراسیاب را کشت و در کنار دریاچه چچست بتخانه را ویران کرد و گنگ دیز بیاراست. محل آتشکده در کوه اسونند است» (تفضلی، ۴۶، ۶۹، ۱۱۱، ۱۱۲).

در دینکرت چنین آمده است: «ببست و یک نسک کتاب اوستا را که اهورا مزدا به عدد کلمات پناه و ویرایو آفریده و بواسطه زرتشت نزد گشتاسب آورده شده بود به فرمان گشتاسب در دو نسخه کامل نوشتند. یکی از آن دو نسخه را در گنج شپیکان گذاشتند و نسخه دیگر را در دژ نیست. در هنگام استیلای اسکندر نسخه دژ نیست سوخت و نسخه دیگر را که در گنج شپیکان بود یونانیها برداشته به زبان خود ترجمه کردند. این نسخه‌ها بر روی ۱۲ هزار پوست گاو به خط زر نوشته شده بود.» (پورداود، ج ۲، ص ۲۳۹ تا ۲۵۲)

در فرهنگ معین سومین معنی که برای گنج شایگان ذکر شده چنین است: «در عهد ساسانی نام محلی که اسناد مهم را در آن می‌گذاشتند. بعضی محققان اصل کلمه را gan-iyigānš دانند یعنی مخزنی که در شیز (گنزک) بوده.» در همین کتاب توضیح واژه ganjak اینگونه آمده است: «ganjak = گنزک، جزنق، گنج، غزنه، گنجینه] اقامتگاه تابستانی خسرو پرویز که ظاهراً در نواحی دریاچه ارومیه در سر راه مراغه - تبریز در نزدیکی لیلان بوده است. گویند در نزدیکی آن چشمه نفتی بوده که آتشکده آذرگشنسب بواسطه آن روشن می‌شده است.»

آناهیتا

آناهیتا ایزد بانوی آب در ایران باستان بوده است. شکل اوستایی آن anāhita است. در فارسی امروز به صورت «ناهید» تغییر یافته است. واژه āhita به معنی «آلوده» و پیشوند نفی -an به آن معنی «نیالوده، پاک و کامل» را داده است. ایرانیان باستان آب و آتش را به یک اندازه مهم می‌شمردند و با وقوف از ضد هم بودنشان پرستشگاه‌های هر دو را کنار هم می‌ساختند. وجود معبد آناهیتا در کنار آتشکده آذرگشنسب از این روست. معابد ناهید به طور معمول بر فراز صفا‌های سنگی بنا شده‌اند. از معابد آناهیتا در بعضی از نقاط ایران مجسمه این ایزد بانو از طلا بدست آمده است. اینکه کیخسرو افراسیاب را کشت و در کنار دریاچه چچست بتخانه را ویران کرد ممکن است دلیل بر وجود چنین مجسمه‌هایی در این معبد باشد.

آئین زردشتی بر مبنای یکتا پرستی است و امشاسپندان در کنار زردشت موجوداتی تجریدی هستند که به او در امور مادی و مینوی کمک می‌کنند. همچنین بعضی از مورخین یونانی نیز نوشته‌اند که پیروان کیش زردشتی برای معابد ایزدان خود مجسمه درست نمی‌کردند و بتی در معابدشان یافت نمی‌شد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساخت معابد آناهیتا و مجسمه او به خیلی قبل از ظهور زردشت در ایران بر می‌گردد.

این مطلب قابل تأمل است که از چه رو در این معابد سنگ نبشته و کتیبه‌ای همانند کتیبه‌های تخت جمشید و بیستون و غیره باقی نمانده است. آیا ساختن معابد بسیار اولیه و آغازین برای آناهیتا عمرش به قبل از کار برد خط توسط بشر بر می‌گردد؟

آغاز سفر و آنچه دیدیم و شنیدیم

روز موعود فرا می‌رسد ساعت ۶ صبح تهران را ترک می‌کنیم. بعد از عبور از کرج، قزوین، زنجان و بیجار به تکاب ۱ می‌رسیم. از تکاب به تخت سلیمان جاده آسفالت، باریکتر و حدود ۴۲ کیلو متر است. بر سر راه چند قریه با خانه‌های سنتی روستایی، مزرعه‌های کوچک گندمکاری و باغ‌های میوه در دامنه تپه ماهورهای کم ارتفاع قرار دارند. جاده در دشت قرار دارد و جریان رود کم آبی به موازات آن در پائین دست جاریست که گاهی بواسطه درختان کنارش از نظر پنهان می‌شود.

رفته رفته در محدوده‌ای قرار می‌گیریم که از ۳ طرف با کوهها احاطه شده است. اینجا مسیر جاده از سمت غرب به شرق است. در منطقه تخت سلیمان هستیم. دشت سمت راست جاده وسیع تر می‌شود. اینجا چند چشمه آب معدنی دیده وجود دارند که دور یکی از آنها را دیواری کوتاه از جنس دیوار خانه‌های روستایی احاطه کرده است. زنان و مردان هر دو به نوبت از این آب استفاده می‌کنند. کمی که اتوبوس جلوتر می‌رود، در سمت چپ جاده یک کوه کله قندی نمایان می‌شود. کنار جاده در برابر این کوه تابلویی با کلمات «زندان سلیمان» دیده می‌شود. در نزدیکی‌های پای کوه چند اتومبیل توقف کرده‌اند. چند نفر از راه باریک زنگزاک به سمت نوک کوه روانند. کمی مانده به نوک کوه چند لایه سنگ به صورت پلکانی تا نوک کله قند ادامه دارند. با نگاهی به این قسمت می‌توان حدس زد که روزگاری در نوک کوه قلعه و ساخت و سازهایی بوده است.

اتوبوس به حرکت ادامه می‌دهد. همه در حالیکه از پنجره اتوبوس کنجکاوانه به کوه کله قندی نظر دوخته‌اند مدیر برنامه اعلام می‌کند که بازدید از کوه زندان سلیمان به بعد موکول می‌شود؛ یعنی پس از بازدید از معبد و آتشکده.

کمی جلوتر که می‌رویم در سمت چپ جاده باغ‌های سر سبز و مصفا و در سمت راست مدرسه شبانه روزی که قرار است محل اقامت ما باشد در دید قرار می‌گیرند.

مدرسه نوساز و در دامنه تپه‌ای نسبتاً مرتفع، در کنار جاده احداث شده است. از جلوی در مدرسه، صفا آتشکده و معبد را در دل رشته کوه شرقی در دور دست می‌توان دید. بعد از قرار دادن وسائل سفر و استراحتی کوتاه در مدرسه، به سمت آتشکده و معبد حرکت می‌کنیم. جاده سر بالایی است. اتوبوس بعد از طی چند صد متر و گذر از یک پیچ تند، در توقفگاه خاکی مجموعه، نگه می‌دارد.

حالا ما در منتهی الیه دره تخت سلیمان در دامنه کوه‌های شرقی هستیم. در سمت شمال توقفگاه، مغازه کوچکی با بالکنی پیرامون آن و تابلوی «عرضه محصولات فرهنگی» بر سر درش، به چشم می‌خورد. چند صندلی کهنه روی بالکن هست. وارد مغازه که می‌شوی بیش از همه نوشابه‌های گازدار مختلف و تنقلات و یخچال صندوقی مخصوص بستنی می‌بینی. در یک طرف مغازه در زیر پیشخوان شیشه‌ای محقری فقط چند CD و چند خرت و پرت، تنها نشان از «محصولات فرهنگی» است. در سمت غرب توقفگاه یک مسیر کوتاه سر بالایی سنگفرش شده بازدیدکنندگان را به سمت ورودی مجموعه، به بالای صفا می‌برد.



محمد حسن ابریشمی

آقای حسن خلیلی مدیرکل بانک کشاورزی خراسان برای بازدید شعبه تربت جام آمد، از دیدن دفتر و اماها با خط زیبا حیرت کرد، از من تقدیر به عمل آورد، آن مرحوم به خانام آمد و با دیدن کتابها و یادداشت‌هایم، تقاضای انتقال مرا به تهران از مدیرعامل بانک (مرحوم مهندس رضا صدیقانی) خواستار شد.

استاد ابریشمی در ادامه گفت:

اولین مقالات خود را تحت عنوان «شعرا و فضایی تربت جام» نوشتم که در روزنامه آفتاب شرق در مشهد به چاپ می‌رسید. کار شعبه تربت جام بسیار سنگین بود (چون از جانب دولت، ۱۵ ساله زارعین صاحب زمین شده و نیز دستور پرداخت مالکان آنها باید توسط بانک کشاورزی انجام می‌گرفت و تعداد اسناد بسیار زیاد بود) از صبح زود تا شام به کار بانک مشغول بودم و ساعات فراغت روز و مخصوصاً شب‌ها تا نزدیک صبح مطالعه می‌کردم.

بنابر اقتضا و طبیعت شغلی به همه روستاهای گستره پهناور تربت جام و بخش‌های آن می‌رفتم، از شیوه کشاورزی سنتی، آداب و رسوم در نشست و برخاست‌های بارونستانیان چیزهای زیادی یاد گرفتم و لذت می‌بردم. یادداشت‌هایی نیز تهیه می‌کردم. در سال ۱۳۴۳ به بجنورد منتقل شدم. طی دو سال از روستاهای مختلف این شهرستان و بخش‌های وسیع آن، ضمن مأموریت، دیدار می‌کردم. از رستنی‌ها و پوشش گیاهی بسیار متنوع، وضعیت اقلیمی، کشت و کار و هرآنچه مربوط به کشاورزی و باغبانی و طبیعت بود اطلاعات زیادی به دست می‌آورد و یادداشت برمی‌داشتیم. در سال ۱۳۴۶ ازدواج کردم و مدت کوتاهی به زادگاهم تربت حیدریه منتقل شدم.

شهرستان بسیار پهناور تربت (در دهه ۱۳۴۰) به لحاظ تنوع اقلیمی و حاصلخیزی، خاک استعداد کشت و پرورش انواع مختلف محصولات کشاورزی و میوه‌های نیمه‌گرمسیری، سردسیری و معتدل را دارد. تصور می‌کردم اطلاعاتم درباره نواحی گسترده این شهرستان زیاد است، اما با سفرهای دور و دراز (اغلب با همکار همدیاریم حاج علی اصغر الله‌بیگی) در بخش‌ها و روستاهای عرصه پهناور شهرستان تربت حیدریه متوجه استعدادهای مختلف اقلیمی و کشاورزی بسیار ممتاز این منطقه شدم و یادداشت‌هایی تهیه کردم.

در سال ۱۳۴۷ بنابر ترغیب و معاضدت دانشمندان گرانقدر همدیاریم شادروانان حسینعلی راشد و محمود شهابی به تهران آمدم، کارم در اداره بررسی‌های اقتصادی بانک کشاورزی، بررسی‌های آماری، و مطالعه کارها و اطلاعات کشاورزی، اقتصادی و تهیه گزارش در زمینه این‌گونه مباحث و موضوعات بود.

استاد ابریشمی، علاوه بر مطالعه و تحقیق، به خطاطی و خوشنویسی علاقمند است و البته در زمینه طراحی و گرافیک نیز تبحر دارد: «در همان زمان خطاطی و خوشنویسی را نزد شادروانان حسین میرخانی و ابراهیم بوذری یاد گرفتم. با استاد گرانقدر محمدرضا شجریان و نیز دوست همدیاری گرامی شادروان علی عیرانی (وفات ۱۳۸۶/۷/۴)، اساتید خطاط مشترکی داشتیم. علاوه بر این گرافست زبردستی بودم و نمودارهای مجله بانک را تهیه می‌کردم. در سال ۱۳۴۸، دوست و

همکار بسیار صمیمی‌ام روانشاد محمد فرزین معتمد (وفات ۱۳۷۹/۱۲/۱۱) طی اقدامی شگفت، بی‌اطلاع من، از پرونده کارگزینی‌ام عکس و رونوشت شناسنامه و مدرک تحصیلیم را برداشته و نام مرا به عنوان داوطلب در کنکور دانشگاه ملی ثبت‌نام کرده بود.

روز جمعه صبح زود که خواب بودم آقای فرزین آمد و بیدارم کرد. کارت شرکت در کنکور را نشانم داد و گفت: ساعت ۹ امتحان شروع می‌شود، آماده باش با هم می‌رویم. دنبالم آمد و رفتم به دانشگاه ملی (شهیدبهشتی کنونی) و

گفتگوی با استاد محمد حسن ابریشمی

مروری بر خاطرات



در امتحان کنکور رشته‌های علوم انسانی شرکت کردم. با وجود عدم آمادگی بین ۳۷۰۰ نفر شرکت کننده رتبه یازدهم را کسب کردم. کلاس‌ها از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۱۱ شب بود. سال اول رشته روانشناسی خواندم. کتاب‌های زیادی در این رشته مطالعه کردم، در پی آن احساس کردم که گرفتار بیماری اسکیزوفرنی هستم.

رفتم پیش استاد (دکتر سیروس عظیمی) و گفتم مطالعه کتاب‌های روانشناسی در من ایجاد توهم کرده است؛ آن رشته را رها کرده، مدتی به کلاس‌های جامعه‌شناسی و چندگاهی تاریخ رفتم و سرانجام با راهنمایی استاد (دکتر ایرانپور جزینی) در رشته جغرافیا تحصیل را ادامه دادم. جمعا بیش از ۲۲۰ واحد درسی را گذراندم. کار بانک کشاورزی سنگین بود، درس‌ها مشکل و با وجود این مرتباً از نظر شغلی تقدیر می‌شدم، درس‌هایم خوب بود، عنوان رساله لیسانسم «زعفران، طلای سرخ کرانه‌های کویر» زیر نظر استاد تاریخ (دکتر رضا شعبانی) بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت. بعد از مدتی یادداشت‌هایی راجع به پیشینه کشاورزی در ایران نوشتم و قصدم این بود که درباره تاریخ کشاورزی ایران مطلبی بنگارم چون در این زمینه چنین کتابی وجود ندارد که جوابگوی به حق کشاورزی ایران باشد. به علاوه در زمینه محصولات و فرآورده‌های مختلفی چون پسته، زعفران، زیره، خرما، عناب، ابریشم، سقز و ... نیز مطالعات و یادداشت‌ها و تحقیقات زیادی داشتم. استاد، سپس به نقل یکی از خاطرات تلخ و شیرین زندگیش می‌پردازد و اینکه به خاطر خرید مسکن مجبور شد تا تمام کتاب‌هایش را بفروشد: «وقتی دیپلم گرفتم حدود ۲۰۰۰ جلد کتاب داشتم و به تدریج آن را تا ۵۰۰۰ افزایش دادم. در سال ۱۳۵۳ بانک کشاورزی به من وام

مسکن (به مبلغ ۱۰۳ هزار تومان) داد که برای تهیه مسکن این مبلغ کفایت خرید خانه را نمی‌کرد، همه کتاب‌هایم را به تالار کتاب به مبلغ بیست‌هزار تومان فروختم و مدت‌ها در تنهایی گریه می‌کردم. به عنوان کارشناس به اداره سازمان و روش‌ها منتقل شدم. در سال ۱۳۵۵ دولت، بانک کشاورزی را موزلف کرده بود که با اعطای وام‌هایی در استان سیستان و بلوچستان زمینه‌های عمران و آبادی منطقه را فراهم کند به پیشنهاد آقای ضیاء‌نژاد هاشمی (رئیس اداره سازمان و روش‌ها) حکم مأموریتی برای من و آقای علی سرشکی (از

کارشناسان سازمان و روش‌ها) به امضای مرحوم حسن امامی مدیرعامل بانک کشاورزی صادر شد، مبنی بر آنکه استان سیستان و بلوچستان را بررسی و گزارشی تهیه کنیم. نزدیک سه ماه، در گرماگریم تابستان تمامی روستاها و بخش‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار دادیم.

آقای سرشکی سی‌صفحه درباره سازمان و تشکیلات بانک و اعزام اکیپ‌های سیار به منطقه تهیه کرد، و اینجانب ۲۵۰ صفحه درباره شرایط اقلیمی، کشاورزی، اقتصادی و اجتماعی سیستان و بلوچستان، پیشنهادهای سازنده‌ای نوشتم، که پاداش محرمانه‌ای به من دادند. به سرعت شروع به خرید کتاب‌های از دست رفته و دیگر متون مورد مطالعه‌ام کردم.

وی افزود: در سال ۱۳۵۹ گزارشی با عنوان «انقلاب آموزشی، تبدیل بسیاری از مدارک تحصیلی به جواز تولید» در ۷۸ صفحه تهیه کردم و نسخه‌هایی از آن را برای مقامات جمهوری اسلامی فرستادم، که از جانب شادروان دکتر سید محمد حسینی بهشتی (رئیس قوه قضائیه) و آقایان دکتر علی شریعتمداری (عضو شورای انقلاب فرهنگی) و دکتر عباسعلی زالی (قائم‌مقام وزیر کشاورزی) و برخی دیگر اعلام وصول و از زحمات اینجانب قدردانی شد.

در سال ۱۳۶۲ کتاب زعفران طلای سرخ حاشیه کویر را در ۳۰۸ صفحه نوشتم که از حمایت‌های معنوی و تشویق‌های آقایان سیدمحمد سلامتی و سیدعبدالله قرشی (وزیر کشاورزی وقت و مشاور ایشان) برخوردار بودم و نسخی محدود از آن در وزارت کشاورزی تکثیر شد.

در سال ۱۳۶۳ تألیف کتاب شناخت زعفران ایران را به انجام رساندم، که دانشمندان ایرانی، شادروانان سید محمدعلی جمال‌زاده (وفات ۱۷

آبان ۱۳۷۶، ژنو) و ایرج افشار (وفات ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ تهران) مرحمت کرده تقریظ‌هایی شوق‌انگیز بر آن نوشتند؛ از جمله به نوشته استاد جمال‌زاده: «کتاب شناخت زعفران ایران، هر کس را متعجب و متحیر خواهد ساخت، چون موضوع کتاب بسیار آموزنده و بی‌نظیر است...» (ژنو ۲۴ بهمن ۱۳۶۴) به نوشته استاد ایرج افشار: «خوشبختانه مؤلف این کتاب توانسته است بر اساس مدارک متعدد مقام زعفران، گیاه پیازی کوچک و کم‌زندگانی، را در کشاورزی و بازرگانی و پزشکی نشان دهد و از نظر فرهنگی و مدنی بسیاری از اطلاعاتی را که جای‌جای در مآخذ تاریخی و جغرافیایی قدیم آمده گردآورد و ما را از نکته‌های دلپسند برخوردار سازد...» (ایرج افشار، ۶ بهمن ۱۳۶۳).

این کتاب در سال ۱۳۶۶ (یک سال پس از بازنشستگی) توسط انتشارات توس در ۳۲۰ صفحه منتشر شد. سه سال بعد، نویسندگان کتاب مروری بر تحقیقات و مطالعات انجام شده در مورد زعفران (تا سال ۱۳۶۹) به معرفی مقالات با موضوع زعفران پرداخته، و با تأکید یادآور شده‌اند: «اولین منبعی که اختصاصاً در مورد این گیاه نوشته شده تحت عنوان شناخت زعفران ایران، نوشته محمد حسن ابریشمی است».

در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵، در اداره آمار و بررسی‌های اقتصادی بانک که ریاست آن را شادروان سید عنایت‌الله قطب عهده‌دار بود، پیش‌نویس کتاب شناخت تاریخی پسته ایران را در ۸۷۶ صفحه آماده کردم، به این منظور همه مناطق پسته‌خیز گذشته و کنونی ایران را زیر پا گذاشته و با استفاده از صدها مآخذ مناطق مستعد پسته‌کاری در ادوار کهن را معرفی کردم.

از جانب مدیرعامل وقت بانک (آقای مهندس سیدعلی میلانی) مورد تقدیر قرار گرفتم، و به دستور ایشان بیست نسخه تکثیر شده کتاب پسته برای اظهارنظر استادان و کارشناسان این رشته و برخی دانشمندان فرستاده شد، که اغلب آنان با تمجید فراوان خواستار چاپ آن شدند.

مخصوصاً شادروان استاد سید محمدعلی جمال‌زاده طی شرحی مبسوط، در هشت صفحه بزرگ، کار پژوهش اینجانب در مورد پسته را بسیار تعریف کرده و سنگ تمام گذاشته بودند. بخشی از نامه‌ایشان در کیهان فرهنگی شماره ۹ آذر ۱۳۶۶ (ص ۴۱ و ۴۲) چاپ شده و در مقدمه کتاب پسته ایران نیز به آن اشناسه شده است. استاد جمال‌زاده در پاسخ به نامه اینجانب از جمله نوشته‌اند: «ژنو، ۲ آذر ۱۳۶۴... مرقوم داشته‌اید که مردی ۴۶ ساله هستتید و ۴۵ کیلو وزن دارید، این خود دقت جنبه‌ای را در کار می‌رساند و مستحق تبریک و تمجید مخصوص است. به‌خصوص که اتفاقاً وزن من هم در این سن و سال که اندکی بیش از دو برابر سن شماست ۴۳ کیلوگرم شده و ۹۳ سال سن دارم» این کتاب با عنوان «پسته ایران، شناخت تاریخی» در سال ۱۳۷۳ توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر، و برنده جایزه کتاب گزیده سال شد و چهار هزار نسخه آن به سرعت به فروش رسید.

استاد گرانقدر، مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (وفات ۲۴ شهریور ۱۳۷۸) طی شرحی با عنوان «تقریظ» از جمله نوشته‌اند: «تحقیقی که همت و پشتکار و دقت و کنجکاوی آقای محمد حسن ابریشمی آن را به صورت کتابی در باب پسته و مسائل مربوط به آن سامان داده، کاری راهگشا، پیشاهنگ، و در نوع خود بی‌سابقه است. سالهاست که من کار این پژوهنده خودآموخته و کنجکار و فروتن را با نظر تحسین و علاقه دنبال کرده‌ام و همت تزلزل‌ناپذیر و حوصله بی‌مال وی را، در راه تحقیق پابندان صحت و دقت کارهای وی - در حد وسایل و امکانات بیش و کم محدودی که در دسترس داشته است - یافته‌ام...».

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۸ شهریور ماه ۱۳۵۶ (برابر با ۱۴ رمضان ۱۳۹۷، ۳۰ آوت ۱۹۷۷) نقل شده است

ساعت درس دور راهنمایی کاهش مییابد

ساعت درس کلاس اول راهنمایی تحصیلی هر هفته به ۲۸ ساعت و سال دوم و سوم به ۲۷ ساعت کاهش خواهد یافت و بقیه وقت حضور در کلاس که ۳۶ ساعت تعیین شده است اختصاص به فعالیت‌های عملی خارج از کلاس خواهد داشت.

وزارت آموزش و پرورش امروز اعلام کرد: برای ایجاد هم‌آهنگی بین فعالیت‌های آموزشی و عملی باید در کلیه مدارس راهنمایی تحصیلی کوشش شود که دروس با تجربه‌های دانش‌آموزان همراه باشد و برنامه‌های عملی در داخل و خارج مدرسه انجام گیرد.

تأسیس مجتمع‌های مواد غذایی و کشاورزی

در مراکز استانها مجتمع‌های مواد غذایی و کشاورزی ایجاد خواهد شد. طرح تأسیس این مجتمع‌ها و مدت زمان اجرا و میزان سرمایه هر یک از آن‌ها بتفکیک از سوی شرکت گسترش خدمات بازرگانی تهیه و برای بررسی و تصویب بوزارت بازرگانی تسلیم شد.

این مجتمع‌ها بمنظور عرضه کالاهای مورد نیاز مردم و همچنین جلوگیری از ضایعات این قبیل کالاهای تأسیس خواهد شد. با ایجاد مجتمع‌های مواد غذایی و کشاورزی دست واسطه‌ها کوتاه خواهد شد و از احتکار کالاهای جلوگیری میشود و قیمت‌ها نیز براحتی زیر کنترل در خواهد آمد.

تلفنهای عمومی تهران الکترونیکی میشود

برای جلوگیری از خرابی و همچنین پول خوردن تلفن‌های عمومی و نیز ایجاد تسهیلات بیشتر برای استفاده کنندگان از خطوط ارتباطی عمومی، شرکت مخابرات ایران تمام تلفن‌های همگانی تهران را عوض خواهد کرد و بجای آنها دستگاه‌های تلفن الکترونیکی نصب میکند.

تاکنون در چند نقطه تهران دستگاه‌های تلفن همگانی الکترونیکی نصب شده و کار تعویض بقیه تلفن‌های عمومی ادامه دارد.

در حال حاضر متجاوز از ۲ هزار دستگاه نیز در شهرستان‌ها نصب شده است.

سیل و توفان و برف در تهران و شهرستانها

درحالیکه در دو روز گذشته گرمای تابستانی همچنان سراسر ایران در اشغال داشت و علی‌رغم کار مداوم و مسائل سردکننده مردم از گرما کلافه بودند، دیشب با تغییر ناگهانی هوا و ریزش برف، باران، تگرگ و وزش توفانی بی‌سابقه چهره کشورمان بیکیاره دگرگون شد. مردم کولرها را خاموش کردند و از پشت بامها به اتاق‌های در بسته پناه بردند و لحاف‌ها و پتوها را از پستوها بیرون آوردند. ریزش باران، بطور غافلگیرکننده دشواریهایی بوجود آورد و سبب ریزش بیسابقه کوه در طول ۲۸ کیلومتر از جاده هراز شد.

در تهران و اطراف آن نیز دیشب هشت ساعت تمام باران و تگرگ بارید.

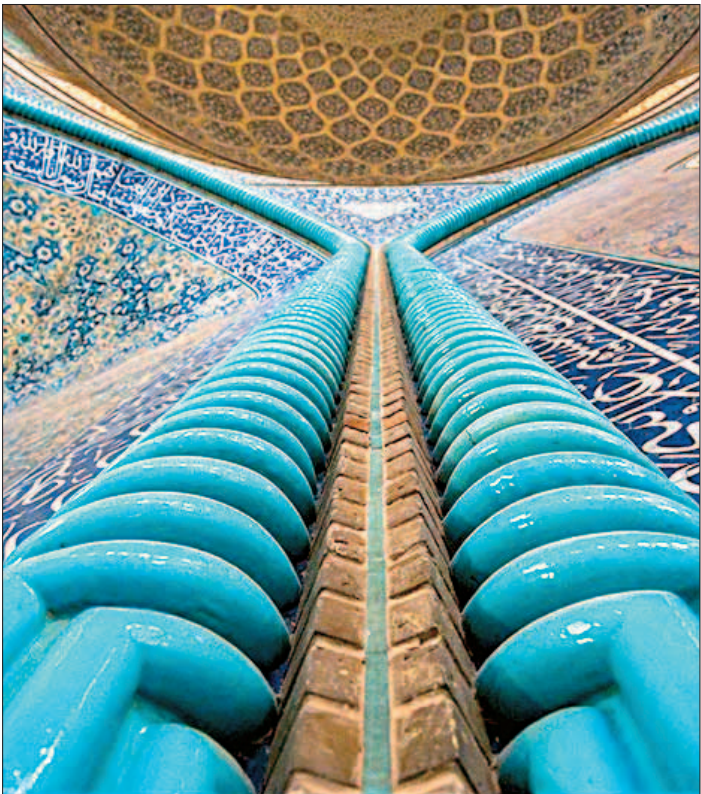
کارت بار دیگر خواستار فروش ادارای پرنده به ایران می‌شود

واشنگتن - یونایتد پرس - سناتور دموکرات جان کالور دیروز دولت جیمی کارتر را متهم کرد که حاضر نشده نتایج تحقیقات خود را درباره فروش سیستم هشدار دهنده هوایی آواکس بایران در اختیار نمایندگان سناتور دهد.

در ماه گذشته پرزیدنت کارتر تقاضای رسمی خود را برای تصویب فوری فروش این سیستم به ایران و سیله سنای آمریکا پس از اینکه رهبران سنا از او زمان بیشتر برای بررسی پیشنهاد فوق کردند پس گرفت.

اداره کل محاسبات اعلام کرده که فعلا هدف دولت کارتر این است که برای فروش هفت هواپیما مجهز به سیستم آواکس موسوم به رادارهای پرنده به ایران توضیحات قانع کننده جدید ارائه دهد و بجای دیگر هشدار دهنده فقط به توضیح آنها در مقایسه با آواکس بپردازند.

قاب امروز



روز جهانی مساجد / مسجد شیخ لطف الله، اصفهان - عکس از علی خدایی

سرایه

پندبزرگان

خیال کز به کار کز گواهی است

سیاهی هر کجا باشد، سیاهی است

به از پرهیزکاری، زیوری نیست

چواشک دردمندان، گوهری نیست

مپوش آیینیه کس را به زنگار

دل آیینیه است، از زنگش نگهدار

پروین اعتصامی

— علم بی عمل، دیوانگی است و عمل بی علم، شادی نیست.

علمی که ترا از معاصی باز ندارد و به

اطاعت معبود و اداری نکند، فردای قیامت ترا از

آتش دوزخ باز نخواهد داشت.

امام محمد غزالی

انفجار بمب در دفتر نخست‌وزیری

هشتم شهریور سالروز شهادت محمدعلی رجایی رئیس جمهوری و محمدجواد باهنر سومین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در انفجار عمدی دفتر نخست‌وزیری است که در سال ۱۳۶۰ هجری خورشیدی اتفاق افتاد. انفجار، اندکی پس از آغاز جلسه شورای امنیت کشور روی داد. گزارش‌ها حکایت داشتند که مواد منفجره در یک کیف قرار داده شده بود که به صورت بمب ساعتی عمل کرد.

شاهرخ میرزا تیموری

شاهرخ میرزا چهارمین پسر امیر تیمور از یک زن ایرانی اش سی ام آگوست ۱۳۷۷ به دنیا آمد و در ۲۸ سالگی بر جای پدر نشست و از سال ۱۴۰۵ تا ۱۴۴۷ به مدت ۴۲ سال بر ایران زمین حکومت راند. پایتخت او شهر هرات بود. شاهرخ ۱۲ مارس ۱۴۴۷ و هشت روز مانده به نوروز در فشاپویه (ری) درگذشت و فرزندش الگ بیگ بر جای او نشست.

به جای دفاع، سربازان میهن را مرخص کردند!

هشتم شهریور ۱۳۲۰ و پنجمین روز تجاوز نظامی به ایران، هواپیماهای شوروی برای نخستین بار بر فراز تهران ظاهر شدند ولی تنها به فروریختن اعلامیه تبلیغاتی مبادرت کردند که در این اعلامیه‌ها به زحمتکشان ایران وعده زندگانی بهتر داده شده بود. تهرانی‌ها از این که پرواز هواپیماهای شوروی بدون واکنش واحدهای دفاع ضد هوایی وطن صورت گرفته بود شگفت زده شده و به حدس زنی درباره فعالیت‌های پشت پرده پرداخته بودند. در همین روز ابلاغیه محرمانه مرخص شدن سربازان پادگان‌ها از سوی سرلشکر نجحوان کفیل تازه وزارت جنگ و واحدهای ارتش که خود را برای دفاع آماده می‌کردند و دو لشکر مستقر در تهران در اطراف پایتخت سنگر گرفته بودند ارسال شد و رضاشاه به عنوان فرمانده کل قوا از ارسال چنین ابلاغیه‌ای اطلاع نداشت!

تعیین جایزه برای نشان دادن مخفیگاه

هشتم شهریور ۱۳۳۲ و ۱۱ روز پس از براندازی ۲۸ مرداد آن سال، فرمانداری نظامی تهران با صدور اعلامیه‌ای که به مدت دو روز و هر روز چندبار از رادیو ایران پخش شد از کسانی که از مخفیگاه ملک اسماعیلی معاون سابق دکتر مصدق، دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه کابینه او، دکتر مهدی آذر ناسیونالیست بنام و وزیر فرهنگ، مهندس حقشناس وزیر راه سابق و چند تن دیگر از جمله خلیل ملکی رئیس جنبش معروف به نیروی سوم اطلاع دارند، خواست که جریان را به آن سازمان اطلاع دهند. در پایان دومین روز پخش اعلامیه که به اعلامیه شماره ۱۴ معروف شده بود از رادیو، دو سطر بر آن اضافه شده بود و آن اینکه پایندگان این مقامات نه تنها از مزایای ویژه برخوردار خواهند شد بلکه پاداش نقدی هم دریافت خواهند کرد.

سودوکو

۱۹۹۲

۵			۹	۲				
		۹		۵	۴			
۲		۳			۸			
	۱							۲
		۶			۱			
۹					۵			
	۹		۸	۷	۲	۴		
	۶	۴	۵	۹				
							۵	

۲	۳	۱	۸	۵	۶	۷	۹	۴
۸	۵	۶	۷	۹	۴	۲	۳	۱
۷	۹	۴	۲	۳	۱	۸	۵	۶
۳	۱	۵	۶	۷	۹	۴	۲	۳
۹	۲	۸	۳	۴	۷	۱	۶	۵
۶	۴	۷	۱	۵	۹	۳	۲	۸
۱	۶	۵	۳	۲	۸	۹	۴	۷
۵	۸	۳	۲	۴	۷	۹	۱	۶
۴	۷	۹	۱	۵	۶	۳	۲	۸

حل ۱۹۹۱

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

بیگانگان	از مشخصات افسردگی	بعد از موعد واضح تئوری نسبت	رسته	حل
۱	↓	↓	↓	۴۵۰۳
شهر آذری	↓	↓	↓	↓
حیوان وفادار	↓	↓	↓	↓
یک خودمانی	↓	↓	↓	↓
قلعه درخت	↓	↓	↓	↓
سمت چپ	↓	↓	↓	↓
بصیرت	↓	↓	↓	↓
تراوش	↓	↓	↓	↓
نازا	↓	↓	↓	↓
جام معروف	↓	↓	↓	↓
بوی کهنگی	↓	↓	↓	↓
وسطی	↓	↓	↓	↓
گل سرخ	↓	↓	↓	↓
مارکی بر کامیون	↓	↓	↓	↓
کینه سخت‌ا	↓	↓	↓	↓
فوری	↓	↓	↓	↓
کاشک سیاه	↓	↓	↓	↓
هنوز لاتین	↓	↓	↓	↓
اسباب بازی کودکان در قدیم	↓	↓	↓	↓
متشکر، سپاسگزار	↓	↓	↓	↓